

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِهِ

**سیاست داخلی ترکیه از کودتا تا
همه پرسی اصلاحات قانون اساسی**

سیاست داخلی ترکیه از کودتا تا همه پرسی اصلاحات قانون اساسی

تهیه و تدوین: معاونت پژوهش و آموزش
خبرگزاری بین المللی تسنیم

بهار ۱۳۹۷



معاونت پژوهش و آموزش

فهرست

مقدمه..... ۵

فصل اول:

شکافهای موجود در جامعه ترکیه..... ۷

فصل دوم

اردوغانیستها و گولنیستها..... ۲۴

فصل سوم

بررسی ابعاد کودتای ترکیه..... ۲۹

فصل چهارم

ترکیه و اصلاحات قانون اساسی..... ۴۸

منابع..... ۷۰

مقدمه

اطلاع از نحوه سیاست‌گذاری‌ها و رویکردهای سیاست داخلی و خارجی ترکیه همواره به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در بررسی روابط بین‌الملل مورد توجه مسئولان ایران و سایر کشورهای منطقه و حتی جهان قرار داشته است. ترکیه به حکم موقعیت استراتژیک خود و همسایگی با کانونهای بحران منطقه‌ای و قدرت قابل قبول اقتصادی و سیاسی که دارد، طی چند دهه اخیر به یکی از شاخصهای مهم سیاسی در بررسی فرآیند کلی تحولات منطقه تبدیل شده است. شناخت نوسانات موجود در سیاست ترکیه، اطلاع از ائتلافها و مناسبات این کشور همواره در اتخاذ تصمیمات درست در عرصه بین‌المللی برای مقامات ایرانی مهم بوده و درک نادرست از سیگنالهای سیاسی این کشور می‌تواند چهره‌ای مخدوش و غلط از سیاست‌گذاری‌های کلان آنکارا ارائه کرده و تصمیمات نهایی در مورد بسیاری از مسائل کلان منطقه را

دچار خدشه کند. لذا در این پژوهش بر آن شدیم تا مؤلفه‌های تأثیرگذار در سیاست‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی ترکیه و ساختار موسسات سیاسی، شکافها و مشکلات سیاسی و اجتماعی موجود در این کشور را مورد بررسی قرار دهیم.

بررسی نخله‌های مختلف سیاسی و ایدئولوژیک در جامعه ترکیه بر اساس تنیدگی رویکردهای دینی با گرایشهای سیاسی در این میان گریزناپذیر است، به ویژه در شرایطی که این موضوع را متوجه باشیم که دولت اسلامگرای حاکم بر ترکیه رویکردی متفاوت از برداشت مردم کشورمان نسبت به اسلام را ارائه می‌دهد و سعی دارد آن را به عنوان الگوی موفق در عرصه بین‌الملل ترویج دهد. شاخصهای دیگر نظیر کودتای نافرجام تابستان گذشته در ترکیه و بررسی عوامل پشت پرده این کودتا و سناریوهای مطرح شده در این زمینه می‌تواند اندکی غبار از چهره ناآشنای سیستم سیاست‌گذاری‌های ترکیه در جامعه کشورمان را بزدايد. اما مهم‌ترین رکن در این میان بررسی فرایند اصلاحات قانون‌اساسی و فراندومی است که در ۲۷ فروردین ماه در این کشور برگزار شد و مردم ترکیه با ۵۱/۲ درصد رأی آری با تغییر چهره حاکمیتی ترکیه از سیستم نخست‌وزیری به ریاست جمهوری موافقت کردند. این تغییر، بسته‌ای از تحولات اساسی را در برنامه‌ها و سیاست داخلی و خارجی ترکیه ایجاد می‌کند که به تناسب به بررسی آن خواهیم پرداخت.

فصل اول: شکافهای موجود در جامعه ترکیه

تحولات سیاسی داخلی ترکیه قطعاً در توازن غیرنظامی و نظامی در این کشور و بسیاری از مسائل مختلف منطقه تأثیرگذار بوده است. بحثهای مهمی نظیر کشمکش موجود در زمینه نقش دین در حیات اجتماعی و عمومی مردم، اوضاع اقلیتهای کرد و دیگر اقلیتهای دینی و قومی دیگر، نگرانیهای روزافزون در زمینه آزادی مطبوعات و آزادیهای مختلف جامعه مدنی، ترسیم سیاستهای داخلی ترکیه را با مشکلاتی مواجه کرده است. رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه از سال ۲۰۱۳ تاکنون و در روندی چهار ساله به دنبال افزایش اختیارات خود و اصلاح قانون اساسی در این کشور بر اساس همه‌پرسی است که با رأی موافق لریزان ۵۱/۲ درصد آرای مردم ترکیه در روز ۲۷ فروردین ماه برگزار شد. این تلاشها براساس برخی تحولات داخلی ترکیه با موفقیت همراه شده و مرحله پایانی این روند یعنی برگزاری انتخابات زودهنگام برای تثبیت موقعیت اردوغان به عنوان قدرت بی‌رقیب ترکیه

باقی مانده است.

ناظران داخلی و بین‌المللی همواره نسبت به بی‌توجهی حزب عدالت و توسعه به آزادی‌های مدنی نگرانند. یکی از ابعاد این نگرانی را می‌توان در نقض آزادی مطبوعات مشاهده کرد که به عامل نگرانی عادی در ترکیه تبدیل شده است. تدابیری که مقامات ترکیه طی سالهای گذشته اتخاذ کرده‌اند، با انتقادات گسترده‌ای از سوی حامیان آزادی بیان مواجه شده و آنها این اقدامات را در راستای گرایشهای ایدئولوژیک صرف توصیف می‌کنند.

ناظران سیاسی و افکار عمومی داخل ترکیه همچنین نگرانی‌هایی در رابطه با افزایش بیش از پیش محبوبیت حزب حاکم بر ترکیه داشته و معتقدند این روند ممکن است توهم استبداد و سلطنت مطلقه را برای دستگاه حاکم و موازنه تک‌قطبی را در این کشور عمیق دهد. در همین راستا تلاشهای گسترده‌ای از سوی حزب حاکم ترکیه برای تضعیف ارتش به ویژه نیروهای مخالف دولت در این ارگان نظامی و سایر جریانهای منتقد نسبت به دولت در محافل مختلف سیاسی و اجتماعی صورت گرفته است. علاوه بر اینها نگرانی‌های گسترده‌ای در زمینه اختیارات مطلق اردوغان یا هر رئیس‌جمهور آینده در نتیجه لغو جدایی میان قوای اصلی قدرت در ترکیه بر اساس اصلاح قانون اساسی این کشور به وجود آمده است.

دگرذیسی به وجود آمده در روند کلی حاکمیت ترکیه مجموعه‌ای از تناقضها و شکافها را در بدنه اجتماعی این کشور ایجاد کرده که برای بررسی تحولات عرصه داخلی ترکیه، ناگزیر به آشنایی با این موارد هستیم.

۱- شکاف اسلام‌گرایی و لائیسزم

شکاف نحوه مدیریت یک جامعه بر اساس رویکردهای اسلام‌گرایانه یا سکولاریستی در نتیجه تغییرات اساسی نظام‌های ترکیه طی ۱۰۰ سال گذشته به یکی از مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عناصر تأثیرگذار بر فرهنگ سیاسی این کشور تبدیل شده است. ماهیت دوره عثمانی که پیش از شش قرن در ترکیه حاکمیت داشت، مبتنی بر اسلام بود و دین اسلام به عنوان تنها عامل توجیه بخش، مشروعیت دهنده و اتحاد بخش امپراتوری عثمانی بود. این امپراتوری چندین قرن با نام گسترش اسلام و دفاع از آن بر ملت حاکمیت کرد. عثمانی‌ها قدرت خلیفه را نشانه‌ای از قدرت اسلام سیاسی می‌دانستند.

گرچه در دوره امپراتوری عثمانی نیز مقاومتهایی در برابر این شکل از حاکمیت در داخل ترکیه وجود داشت، اما با فروپاشی امپراتوری عثمانی و روی کار آمدن حاکمیت کمال آتاتورک در این کشور که مبانی اسلامی و دینی را به کلی نفی می‌کرد، این شکاف در جامعه بیشتر شد. مصطفی کمال در سال ۱۹۲۳ با تأسیس حکومت خود نهاد خلافت را منحل کرد و مدیریت امور دینی را با هدف سلطه کامل بر مساجد به وجود آورد و همه کارگزاران دینی را به دولت وابسته کرد. به این ترتیب همه سلسله‌های صوفی ممنوع شدند. به طور کلی سوءظن عمیقی نسبت به دین در طبقه حاکمیت شکل گرفته و دین به عنوان یکی از مشکلات اساسی اجتماعی و اقتصادی کشور مطرح شد. نهادهای کمالیستی در ترکیه نقش عمده‌ای در راستای کاهش نقش اجتماعی بیشتر در ترکیه ایفا می‌کردند. آنها مدرنیته را به عنوان شیوه زندگی فارغ

از دین تعریف کرده و پیشرفت جامعه غربی - اروپایی را مبتنی بر این گزاره می‌دانستند. سکولاریسم آتاتورک هرگونه فعالیت اسلامی را اقدامی تفرقه‌افکنانه، ضدملی و ضدمدرنیت‌ه توصیف کرده و از هیچ تلاشی برای مخدوش کردن جایگاه دین در نزد بدنه عمومی جامعه فروگذار نکرد.



در نتیجه جایگاهی که دین اسلام برای اکثریت مردم ترکیه داشت، بعلاوه فشارهایی که در نتیجه این دگردیسی در افکار عمومی ترکیه ایجاد شده بود، دو قطب مخالف مبتنی بر رویکردهای سکولاریستی و اسلام‌گرا در جامعه ترکیه شکل گرفت. این دو جناح از چندین دهه گذشته تاکنون هر زمان که فضا برای رقابت مهیا شود، در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و فضای کشور را به فضایی دو قطبی تبدیل می‌کنند. تعارض بین سکولاریسم و اسلام‌گرایی هنوز بافت اصلی سیاست ترکیه را در معرض شکافت و دوگانگی قرار داده است و شاید بتوان گفت هر زمان که اندکی سیاست سرکوب‌گری در جامعه ترکیه کاسته می‌شود، این رقابت بار دیگر خود را در عرصه سیاسی کشور ظاهر می‌کند.

۲- شکاف ارباب - رعیتی

این شکاف نیز در جامعه ترکیه سابقه تاریخی داشته و پیشینه‌اش به قبل از تأسیس جمهوری در این کشور می‌رسد، در سده‌های گذشته، تشکیل خاندان حاکمیتی در دولت عثمانی و کمالیسمها باعث بوجود آمدن اربابان زمین‌دار و مآلکهای رفاه‌زده در برابر بدنه عمومی جامعه شد. شکل خاص خصوصی سازی بر اساس قانون اراضی در سال ۱۸۵۸ نیز این روش را نهادینه کرده و به طبقه مآلک ترکیه اجازه داد با زمینهایی که تحت تصرف خود گرفته بودند، تجارت کرده و آنها را به دیگران بفروشند. تجاری شدن کشاورزی و تملک فرصتها و توانایی‌های اقتصادی توسط قشر ثروتمند جامعه باعث ایجاد یک طبقه سرمایه‌دار بومی شد.

حاکمیت کمالیست با روی کار آمدن خود به این شکاف اجتماعی رنگ و بوی بیشتری داد و با نخبگان جامعه از جمله نظامیان و روشن‌فکران و نخبگان روستایی شامل اشراف و بزرگان زمین‌داران طبقه تجاری نوظهور ترکیب شده و شکلی از ثبات ملت - دولت را ایجاد کردند. طبیعی بود که در نتیجه این فرایند طبقات فرودست شهری و روستایی که از اکثریت مردم جامعه بودند از نوسازی سیاسی و اقتصادی محروم مانده و توده مردم مشارکتی در بهبود شرایط اقتصادی نداشتند. به این ترتیب این توده که بیش از ۷۵ تا ۸۰ درصد جامعه ترکیه را تشکیل می‌دادند، به صورت کامل نادیده گرفته شدند.

دولت اردوغان نیز با روی کار آمدن خود گرچه تلاشهایی برای کاستن از میزان این شکاف عمومی به کار بست، اما توفیق چندانی در این زمینه به دست نیاورد.

۳- شکاف ترک و کُرد

با تأسیس جمهوری ترکیه و روی کار آمدن جریان کمالیسم، منشأ قومی و نژادی به عامل برتری ساختارهای اجتماعی در جامعه ترکیه تبدیل شد. ملت ترک در این دوره به تمامی ترک زبانانی اطلاق می‌شد که در چارچوب مرزهای این کشور زندگی می‌کردند. رویکردهای آتاتورک دو جبهه تعریف شده بود، جبهه نخست مبارزه بر ضد اسلامگرایان و جبهه دوم مبارزه علیه قومیت‌های غیر ترک به ویژه کردها بود. معاهده لوزان^۱ نیز در این عرصه به کمک آتاتورک آمد. زیرا در این معاهده اقلیتها بر اساس مذهب تعریف می‌شدند، نه بر اساس قومیت. به همین علت بود که کردها را ترکهای کوه‌نشین نامیدند. زبان و نژاد کردها را مبتنی بر آن به رسمیت نشناخته و اجازه حضور زبان کردی و جلوه‌های ویژه فرهنگی آنها در عرصه عمومی را ندادند.



امضای توافقنامه «لوزان» میان هیات ملی کرای ترک و متفقین

پیمان لوزان: پیمان صلحی بود که در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ میلادی در شهر لوزان-سوئیس؛ برای حل و فصل مناقشه‌ای که از جنگ جهانی اول بین نیروهای متفقین و متحدین آغاز شده بود به توافق رسیدند. پیمان صلح بین جمهوری سوم فرانسه، امپراتوری بریتانیا، امپراتوری ژاپن، پادشاهی ایتالیا، پادشاهی یونان، پادشاهی رومانی و پادشاهی یوگسلاوی به امضاء رسید. این معاهده میان ترکیه از یک سو و متفقین از سوی دیگر به امضا رسید و باعث به رسمیت شناخته شدن کشور تازه‌بنیاد ترکیه از سوی کشورهای جهان شد. در معاهده لوزان حق تابعیت ترکیه به اقلیتها اعطا شد. در ماده ۳۹ آن آمده است اقلیت‌های غیر مسلمان منسوب به «نژاد ترک» از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردارند.

۱۳. درگیری‌ها بین کردها و دولت ترکیه همواره وجود داشته است. سابقه این درگیری‌ها به تاریخ تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ بازمی‌گردد. یکی از مهم‌ترین عوامل این درگیری‌ها این است که کردها حاکمیت دولت ترکیه را به رسمیت نمی‌شناسند. در مقابل، دولت ترکیه نیز اقدامات سخت‌گیرانه‌ای را برای سرکوب هویت‌گردی در دستور کار قرار داده است.

از سال ۱۹۸۴ ارتش ترکیه وارد درگیری‌های گاه و بی‌گاه برای سرکوب شورشیان جدایی طلب ترکیه با عنوان حزب کارگران کردستان شده است. با این وجود مطالبات حزب کارگران کردستان که در ابتدا بر روی جدایی از این کشور متمرکز بود، به صورت تدریجی کاهش پیدا کرد، تا اینکه سرانجام در دوره اخیر در حد دستیابی به استقلال فرهنگی و سیاسی افزون‌تر رسیده است.

جدی‌ترین درگیری‌ها بین مقامات ترکیه و حزب کارگران کردستان به دهه ۹۰ قرن گذشته میلادی بازمی‌گردد. این درگیری‌ها در سال ۲۰۰۳ افزایش پیدا کرد، یعنی هنگامی که نیروهای متجاوز ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا به اشغال عراق پرداختند. از دوره بعد از پایان جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، حزب کارگران کردستان، از شمال عراق به عنوان پناهگاه‌های امن برای خود استفاده می‌کردند و حملات خود را از این مناطق ترتیب می‌دادند. در اواخر دسامبر ۲۰۱۲ سرویس اطلاعاتی ترکیه مذاکراتی را با «عبدالله اوجالان» رهبر زندانی حزب کارگران کردستان انجام داد تا شاید بتواند این حزب را خلع سلاح کند. در اواخر مارس ۲۰۱۳ اوجالان و دیگر رهبران حزب با ترکیه اعلام آتش‌بس کرد، اما ادامه آتش‌بس مقرون به توان دولت ترکیه برای قانع کردن

حزب کارگران کردستان و دیگر گروه‌های مستقر در خاک ترکیه بود که به دنبال رسیدگی به مسائل مورد نظر خود بودند. برخی کارشناسان اعتقاد دارند که اردوغان برای بهبود شرایط خود قبل از انتخابات برای رسیدن به ریاست جمهوری ترکیه و جلب آراء مثبت بخش گسترده‌ای از گروه‌ها این سیاست را در دستور کار خود قرار داده بود، اما برخی دیگر اعتقاد دارند که این اقدام اردوغان در راستای جلوگیری از تهدیدات نهفته و مخفی حزب کارگران کردستان در سوریه یا بهره‌برداری از شکاف‌های موجود بین جریان‌های مختلف کردنشین بود.

با آغاز خیزش‌های عربی و به وقوع پیوستن بحران سوریه روند تقابل دولت ترکیه با گروه‌های این کشور وارد مرحله تازه‌ای شد، اگرچه ترکیه از مدتها پیش به دنبال کاستن از حجم تنش‌ها با گروه‌های داخل ترکیه بود، اما آغاز درگیری‌ها در سوریه و تحرکات نیروهای دموکراتیک کرد باعث شد دولت ترکیه در قالب عملیات «سپر فرات» و حمایت تمام قد واحدهای زرهی و نیروی هوایی ترکیه از ارتش آزاد سوریه در «جرابلس» تقابل نظامی غیر مستقیم و مدیریت شده از سوی آمریکا در سوریه را در دستور کار خود قرار دهد. به این ترتیب به نظر می‌رسد پس از آن که غبار کودتای نافرجام ۱۵ جولای تا حدودی فروکش کرده، ترکیه باز هم روی اولویت امنیتی بسیار مهم پ.ک.ک و نفوذ داخلی جریان‌های سیاسی کرد متمرکز شده است.

از دوره آغاز درگیری‌های داخلی در سوریه، اتحادیه دموکراتیک (سازمان برادر حزب کارگران کردستان، که در داخل مرزهای سوریه فعالیت می‌کند) موفق شده است به برخی از مساحت این

۱۵ کشور که کردها در آن ساکن هستند و در نزدیکی مرزهای سوریه و ترکیه قرار دارد، مسلط شوند. این موضوع سؤالی اساسی را برای آنکارا ایجاد کرده که آیا این روند می‌تواند به شکل‌گیری یک پایگاه جدید در حمایت از حزب کارگران کردستان منجر شود یا نه؟

حکومت «عدالت و توسعه» در ترکیه به خوبی می‌دانست که ادغام کردها در جامعه ترکیه ادغام تکاملی است و نیازمند پذیرش گرایشهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارای رویکردهای توسعه‌ای این گروه‌ها برای هم‌گرایی سنتی مبتنی بر امنیت است. دولت اردوغان سیاستهای گذشته مبنی بر عدم به رسمیت شناختن لیبرالیسم در میان شهروندان ترکیه را تا حدی تعدیل کرده بود. دولت برخی اقدامات را در دستور کار قرار داد که براساس آنها استفاده از زبان کُردی در روشهای آموزش و پرورش، درآمدهای تبلیغاتی و رسانه‌ها مجوز داشته باشد، ولی این اقدامات از اواخر سال ۲۰۱۲ متوقف شد. موج گسترده بازداشت شخصیت‌های کُرد در روند ارائه آزادی‌های مدنی و استقلال محل به کردها و همچنین ادامه خشونت بر ضد آنها باعث چالشها، تهدیدات و نابسامانی در مناطق کردنشین بر ضد دولت آنکارا شده است.

۴- شکاف ارتش - دولت

یکی از تأثیرگذارترین شکافها در فرهنگ سیاسی ترکیه، شکاف موجود میان ارتش و دولت است که به ویژه در دوره حاکمیت «حزب عدالت و توسعه» به وجود آمده است. با روی کار آمدن این حزب در سال ۲۰۰۲ شکافهای موجود بین ارتش و دولت گسترش پیدا کرده است، بدنه ارتش و فرماندهان آن همواره گرایشهای

لایسیم داشته و پیروان مکتب کمالیسم بودند. این در حالی است که گرایشهای تمامیت‌خواهانه اردوغان به دنبال مهار تمامی قدرتهای داخلی در ترکیه بوده و می‌خواهد از تمامی پتانسیل کشور در راستای پیشبرد اهداف و سیاستهای خود استفاده کند. علاوه بر تعدیلهای مختلف و بازنشسته کردن افسران و عناصر ارتش که مخالف رویکردهای اردوغان هستند، درگیری‌های دیگری نیز بین ارتش و دولت ترکیه ایجاد شده است. از جمله این موارد بحران ارگنه کن^۲ در سال ۲۰۰۸ بود. اوج این بحران اما در کودتای نظامی ناکام جولای گذشته در این کشور بود که بخشهایی از بدنه و فرماندهان ارتش دست به تلاش سخت‌افزاری برای از بین بردن دولت ترکیه زدند. در همین راستا دولت ترکیه سیاستهای خود برای حذف عناصر منتقد و مخالف خود از میان جریانهای نظامی را تشدید کرده و مجموعه‌ای از اقدامات را برای استحالهٔ موسسات نظامی ترکیه در دستور کار قرار داده است.

اردوغان در مرحله اول با همکاری گولنی‌ها موفق شد ارتش را در عرصهٔ سیاسی ترکیه منفعل سازد. این اتفاق با استفاده از پرونده سازی و بروز برخی اطلاعات در رابطه با کودتاهای احتمالی ارتش صورت گرفت. اردوغان به بهانهٔ این کودتاهای احتمالی موج عظیمی از پاک‌سازی‌ها را در داخل ارتش به راه انداخته و چند صد نفر از فرماندهان عالی رتبه و میانی ارتش را زندانی، اخراج و

۲-در سال ۲۰۰۸ میلادی دادستان قوه قضاییه با اتهام اینکه حزب حاکم ترکیه (عدالت و توسعه) به کانون فعالیتهای ضد رژیم لائیک ترکیه تبدیل شده است، در نزد دادگاه قانون اساسی اقامه دعوی کرد و خواهان انحلال این حزب شد.

حزب «عدالت و توسعه» این بحران را با گرفتن یک هشدار جدی و تحریم کمکهای دولتی به حزب توانست پشت سر بگذارد. در پی این بحران بیش از صدها نفر از اعضای سازمان مخفی ارگنه کن که شامل چندین ژنرال ارتش، مقامات حزبی و رئیس سابق شورای امنیت بودند به جرم همکاری و عضویت در این سازمان دستگیر و محاکمه شدند. این سازمان در صدد براندازی «حزب عدالت و توسعه» بود.

۱۷ یا بازنشسته اجباری کرد. نمونه‌های این اقدامات را می‌توان در پرونده‌های ارگنه کن، پایگاه دوم شکاری، پرونده پارک گزی و... مشاهده کرد.

البته این نکته نباید فراموش شود که ارتش ترکیه نیز دارای یک ساختار سیاسی منسجم نیست، بلکه جریانها و نحله‌های مختلفی با رویکردهای متفاوت و متناقض در درون آن وجود دارند. این جناحها شامل جناحهای آمریکانگرا، ناتوگرا، اورسیایی‌گرا و رویکردهای ضدآمریکایی هستند. به این ترتیب می‌توان ارتش ترکیه را در یک رویکرد کلی در زمینه مناسبات با آمریکا به دو گروه کلی شرق‌گرا و غرب‌گرا تقسیم بندی کرد. این تقسیم بندی نقش مهمی در بازی سیاسی اردوغان با ارتش به جای گذاشته و آن را در برابر برنامه‌های کاری اردوغان آسیب پذیر کرد. به این ترتیب «حزب عدالت و توسعه» با همراهی گولنیست‌ها که در سیستم اطلاعاتی و قضایی این کشور نفوذ بالایی داشتند، تمام ارتشی‌های مخالف و منتقد خود را پاکسازی کرد.

اردوغان در مرحله بعد هنگامی که با گولنی‌ها دچار مشکل شد و از سه سال پیش که آنها اقدامات عملی بر ضد اردوغان را در دستور کار قرار دادند^۳ و حوادثی از جمله تحولات پارک گزی^۴ و حوادث ۱۷ تا ۲۵ ژانویه و کودتای نظامی را خلق کردند، از همین

3. www.al-monitor.com/pulse/fr/originals/2014/01/akp-gulen-conflict-guide.html

4. www.carnegieendowment.org/2013/10/24/turkey-s-g-len-movement-between-social-activism-and-politics-pub-53397

۵- مهم‌ترین موضوع اختلافات «اردوغان» و «گولن» با آغاز ناآرامی‌های ترکیه در خصوص پارک گزی بوده است که گولن به دلیل استفاده دولت اردوغان از خشونت پشت عبدالله گل ایستاد. گل مواضع ملایم‌تری در برخورد با معترضان به ساخت و ساز در پارک گزی داشت. تحولات پارک گزی که در می سال ۲۰۱۳ رخ داد، اعتراضات ضد دولتی است که به مدت بیش از یک ماه در تمامی شهرهای ترکیه رخ داد و ابتدا با تحصن در پارک «گزی» استانبول علیه برنامه نخست وزیر این کشور برای ساخت یک مرکز خرید آغاز شد و در ادامه به یک شورش ضد دولتی تبدیل شد.

شکاف برای سرکوب گولنیست‌ها استفاده کرد. وی با همکاری ارتشی‌های ضدآمریکایی دست به پاکسازی ارتشی‌های آمریکایی زد که اقدام عملی برای کودتا بر ضد او کرده بودند. به این ترتیب اردوغان اقتدارگرایی ۸۰ ساله ارتش را در جامعه ترکیه از بین برد و به جای آن کاریزمای سیاسیون را در داخل ترکیه نهادینه کرد، این موضوع تحولی است که نتایج و پیامدهای گسترده‌ای در آینده ترکیه به جای خواهد گذاشت. هر چند در نتیجه اقدامات اردوغان، ارتش دچار انفعال نظامی شده، اما شاخه امنیتی و سیاسی ارتش نفوذ بالایی در ساختارهای بروکراتیک دولت ترکیه دارد و همواره امکان مزاحمت ارتش برای اردوغان وجود خواهد داشت.

اردوغان تلاش دارد، ارتش را مطیع خود کند، در این راستا موفق هم بوده و نمونه آن را در ورود به سوریه می‌توان دید. چرا که ارتش در ابتدا مخالف ورود به سوریه بود، بعد از آن هم مخالف حرکت به سمت شهرها بود و الان نیز مخالف عزیمت به سمت شهر «منبج» و «الرقه» است، چرا که آنجا را باتلاقی برای خود می‌داند، اما اردوغان تاکنون توانسته است مطالبات خود را به ارتش دیکته کند.

اردوغان به دنبال تشکیل شاخه‌های نظامی مردمی است که هسته اصلی آن شکل گرفته است. این اقدام به عنوان تشکیل ساختاری وفادار به اردوغان در تقابل با شورشهای احتمالی کردها و سایر تحولات امنیتی ترکیه قابل تفسیر است. گفته می‌شود این سازمان قرار است در مرحله اول جمعیتی بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر را سازماندهی کند و احتمال گسترده‌تر شدن این طرح در

۱۹ مراحل آینده پس از موفقیت مرحله اول نیز وجود دارد. هماهنگی در باورهای این ساختار شبه نظامی با گرایش‌های سیاسی داخلی و خارجی «حزب عدالت و توسعه» نقش تعیین‌کننده‌ای در تشکیلات آن ایفا می‌کند، این سازمان با انجام آموزش‌های حرفه‌ای جنگ شهری، جنگ تن به تن، فعالیت‌های اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی و کاربرد سلاح‌های مختلف تشکیل می‌شود تا مواقع لزوم این جریان به عنوان نیروهای وفادار اردوغان بتواند کنترل اوضاع را به دست بگیرد.

قرار است افراد جذب شده پس از تأیید صلاحیت، آموزش‌های مختلف درگیری شهری و نظامی را ببینند و پس از آن به صورت سازمانی با تشکیلاتی که هنوز هیچ نامی برای آن در نظر گرفته نشده است مرتبط باشند.

۵- شکاف علوی‌ها و دولت ترکیه

حضور علوی‌ها در ترکیه همواره به عنوان یکی از شکاف‌های اجتماعی و تاریخی در ترکیه مطرح بوده است، جدای از سیاست‌های تبعیض‌آمیز که به افزایش این شکاف کمک کرده، تقویت اسلام‌گرایی سنی در جامعه ترکیه که هم‌زمان با روی کار آمدن حزب اردوغان دنبال شده، باعث گسترش این شکاف شده است. در سال‌های اخیر، بحران سوریه نیز باعث افزایش این شکاف شده و باعث تشدید نگرانی‌های علوی‌های ترکیه شده است.

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، شرایط برای علوی‌ها دشوارتر شد. علوی‌ها در سال‌های اخیر همواره نسبت به رویکردها و عملکرد دستگاه حاکم معترض بودند، برخی از آنها اعتقاد دارند که در زمینه استخدام در نهادهای دولتی نسبت به آنها تبعیض

اعمال می‌شود. مشارکت فعال علوی‌ها در اعتراضات موسوم به پارک گزی در ژوئن سال ۲۰۱۳ نشان دهنده ناخرسندی آنها نسبت به حزب حاکم ترکیه است. بعد از سرکوب این اعتراضات نیز، اعتراضات دیگری در مناطق علوی نشین از شهرهای ترکیه از جمله «دیکمن» در آنکارا و «انطاکیه» شکل گرفت. در این درگیری‌ها شش نفر از عناصر فعال گروه‌های علوی کشته شدند. در سالهای اخیر رفتار حزب عدالت و توسعه با اقلیتهای دینی نسبت به گذشته بهبود یافت، اما این مسئله بیشتر در رابطه با غیرمسلمانان صدق می‌کند. به عنوان نمونه در سالهای اخیر قسمتی از دارایی‌هایی که در قرن بیستم متعلق به کلیساهای مسیحی بود و از سوی دولت مصادره شده بود، به آنها بازگردانده شد و دولت از صاحبان این دارایی‌ها حمایت کرد، اما در مورد علوی‌ها کمتر شاهد چنین اقداماتی بوده‌ایم.

همچنین بر اساس قوانین ترکیه، دولت این کشور موظف به حمایت و نگهداری از مساجد است، حزب عدالت و توسعه این قوانین را بسط داد تا شامل کلیساها و کنیسه‌ها نیز بشود، اما مکان عبادت علویان که بیت‌المجمع نامیده می‌شود، از این فهرست کنار گذاشته شده است و مقامات ترکیه اعلام کردند که علویان مسلمان هستند و مسلمانان نیز جز مسجد عبادتگاهی ندارند. آنها حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و «مصطفی‌البایرک» نماینده پارلمان ترکیه از «حزب عدالت و توسعه» اعطای یارانه به این عبادتگاه‌ها را رد کرده و آن را کمک کردن به پرستش‌گاه‌های شیاطین خواند.

۶- آزادی بیان و مطبوعات در ترکیه

بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ در ترکیه تلاشهایی برای گسترش دموکراسی در این کشور انجام شد، موضوع پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، تحولات جهانی، نیازها و فشارهای داخلی انگیزه مهمی برای انجام اصلاحات در داخل ترکیه بود. اردوغان همچنین از اصلاحات به عنوان ابزاری برای به حاشیه راندن رقبای داخلی خود استفاده می‌کرد. بر اساس گزارشهای سازمانهای بین‌المللی، وضعیت شاخصهای دموکراسی و حقوق بشر در دوره حکمرانی اردوغان چندان قابل دفاع نیست و ترکیه در برخی شاخصها حتی شاهد پُرسرفت نیز بوده است.

براساس گزارش سازمان حقوق بشری «فریدام هاوس» (خانه آزادی) در سال ۲۰۱۴^۶ در زمینه آزادی مطبوعات، ترکیه از کشوری نیمه آزاد به فهرست کشورهای غیر آزاد پیوسته است. این کشور رتبه ۱۳۴ را در میان ۱۹۷ کشور دارا است، یعنی عقب‌تر از کشورهای نظیر نیجریه، لبنان، تونس، کنیا، اوگاندا، الجزایر و کویت. این در حالی است که در سال ۲۰۱۳ ترکیه در رتبه ۱۲۰ قرار گرفته بود.^۷ «فریدام هاوس» در گزارش ۲۰۱۶ خود نیز وضعیت آزادی رسانه‌ها در ترکیه در سال ۲۰۱۵ را هشدار دهنده دانسته^۸ و ادعان داشته است که حاکمیت اردوغان و «حزب عدالت و توسعه» به شکل فزاینده‌ای از قوانین مدنی و قوانین مبارزه با تروریسم در راستای مجازات کردن نویسندگان و منتقدان خود استفاده می‌کنند و روزنامه‌نگاران ترکیه در طول سال ۲۰۱۵ با خشونت‌های روز افزون،

6. www.freedomhouse.org/sites/default/files/FreedomofthePress_2015_FINAL.pdf

7. www.freedomhouse.org/report/freedom-world/2013/turkey

8. www.freedomhouse.org/report/freedom-world/2016/turkey

تهدید و ارباب از سوی حاکمیت این کشور مواجه هستند. این گزارش انتخابات پارلمانی، بحران سوریه و از سرگیری مناسبات با کارگران کُرد را از عوامل مؤثر در روند قطبی شدن سریع فضا و افزایش فشار بر رسانه‌ها اعلام کرد. این گزارش به دستگیری روزنامه‌نگاران روزنامه مشهور جمهوریست به اتهام مربوط به تروریسم به دلیل انتشار گزارشی در خصوص ارسال سلاح به سوریه از طریق اعضای سرویس‌های امنیتی ترکیه و حمله گروهی به «روزنامه حریت» در سپتامبر ۲۰۱۵ به عنوان نمونه‌هایی در این رابطه اشاره کرد.

«گزارشگران بدون مرز» نیز در ژانویه ۲۰۱۴ به زوال آزادی مطبوعات در ترکیه اشاره کرده و در گزارش خود نوشتند که ترکیه از نظر آزادی مطبوعات در سال ۲۰۰۳، در رتبه ۱۱۶ قرار داشت، اما در سال ۲۰۱۴ به رتبه ۱۵۴ در میان ۱۷۹ کشور سقوط کرد.^۹ سازمان «دیدهبان حقوق بشر» نیز با اشاره به آزادی‌های مطبوعاتی در ترکیه در گزارش جهانی خود در سال ۲۰۱۴ نوشت که حزب عدالت و توسعه سخت‌گیری زیادی نسبت به اپوزیسیون، سیاسیون، اعتراضات عمومی و رسانه‌های منتقد از خود نشان داده است.^{۱۰} همین سازمان در گزارش جهانی سال ۲۰۱۲ خود نوشت که حزب عدالت و توسعه بعد از پیروزی در انتخابات سال ۲۰۱۱ در راستای کاهش حقوق و آزادی‌های مدنی در ترکیه گام‌های زیادی برداشته است.^{۱۱} ترکیه از طریق قانون به دنبال محدود کردن آزادی بیان پرداخته است. در راستای همین سرکوبگری‌هاست که بالغ

9. www.rsf.org/en/ranking/2014

10. www.hrw.org/world-report/2014/country-chapters/turkey

11. www.hrw.org/world-report/2012/country-chapters/turkey

۲۳ بر ۱۰۸ هزار سایت در ترکیه مسدود شده‌اند که شامل سایتهای
گردی، انتقادی و سایتهای وابسته به فتح‌الله گولن هستند.
براساس آمارهای دولت ترکیه، کودتای تیرماه گذشته (تیر ۱۳۹۵)
که از سوی بخشهای نظامی صورت گرفت، منجر به کشته شدن
۲۴۶ نفر شد که ۱۷۹ نفر از این تعداد شهروندان عادی بودند.
همچنین حدود ۲۰۰۰ نفر نیز زخمی شدند. بلافاصله بعد از این
کودتا حکومت ترکیه بیش از ۴۰ هزار نفر را از پستهای خود برکنار
کرد، رؤسای دانشگاه‌ها و سیستم قضایی ترکیه بیشترین موارد
برکنار شده را تشکیل می‌دهند. در اثر این اقدامات ۲۱۶۷ قاضی
و دادستان دستگیر و روانه زندان شدند. ۲۷۴۵ نفر دیگر نیز از
پستهای خود برکنار شدند. حکم دستگیری ۹۰ روزنامه نگار بعد
از کودتای ناموفق ترکیه صادر شد و ۳ آژانس خبری، ۱۶ کانال
تلویزیونی، ۲۳ ایستگاه رادیویی، ۴۵ روزنامه، ۱۵ مجله و ۲۹ شرکت
توزیع نشریات مسدود شدند. این روند رویکرد تضعیف دموکراسی
در ترکیه را تشدید کرده و هم‌زمان شکافهای داخلی در این کشور
را افزایش داد.

فصل دوم: اردوغانیستها و گولنیستها

مکتب ایدئولوژیک گولن نوعی مکتب التقاطی با عنوان «اسلام آناتولیایی» است. در تفکر گولن ظاهراً اعتقاد به مدارا و تسامح تبلیغ می‌شود، اما وی بغض و کینه شدیدی نسبت به شیعیان دارد. او در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود در شهر پنسیلوانیا گفته است : «اگر هفت دنیا هم در ایران باشد به ایران نخواهم رفت. اگر روز قیامت بگویند که راه بهشت از ایران می‌گذرد، من به دنبال راه دیگری خواهم گشت و سؤال می‌کنم که آیا راه دیگری برای ورود به بهشت وجود دارد که از آنجا بگذرم. همه شما می‌دانید که نظر من درباره شیعیان ایران چیست. آنها رافضی‌های ریاکار و پست هستند که جهان اسلام را تکه تکه کرده‌اند»¹. این در حالی است که وی مدعی اعتقاد به اصل گفتگوی بین ادیان الهی و پیروان کتابهای آسمانی است و برای پیشبرد همین ادعا

1. www.youtube.com/watch?v=nMOP5-oXcvI

برای گفتگو با واتیکان و برخی مراکز مذهبی یهودی بارها پیش قدم شده است. در فضای فکری ترکیه گولن به عنوان شخصی محافظه کار، میانه رو و در عین حال مذهبی محسوب می شود. گولن از دهه ۷۰ میلادی با تمکن مالی شخصی اقدام به راه اندازی مجموعه مدارس آموزشی به همه مردم کرده است که افراد بسیاری برای خدمت در این سرویس به تدریج جذب شده اند و در طی سالها با کمک مالی و پشتیبانی خود بنیادی عظیم برای این تشکل فراهم نمودند.

افراد جنبش گولن، مدارس بسیاری را در نقاط مختلف دنیا اداره می کنند که بیش از دو میلیون دانش آموز را تربیت کرده که بسیاری از آنها از بورس کامل تحصیلی از سوی بنیاد گولن برخوردار بودند. تعداد مدارس گولن در داخل ترکیه ۳۰۰ مدرسه و در کل دنیا بیش از ۱۰۰۰ مدرسه تخمین زده می شود که در کشورهای مختلف در پنج قاره گسترده شده اند و به صورت منعطف و ارگانیک با مؤسس مجموعه، فتح الله گولن در ارتباط هستند. گولن فعالیت های خود را بعد از کودتای سال ۱۹۸۰ آغاز کرد، کودتایی که به صورت اساسی جریانهای اسلام سیاسی و چپ گرا را هدف قرار داده بود. با این وجود، چون هواداران وی از فعالیت های سیاسی دوری می کردند و اقدامات خود را در زمینه های دینی و مسائل خیریه دنبال می کردند، از آزادی عمل نسبی برخوردار بودند. در دهه ۹۰ قرن گذشته میلادی فعالیت های گسترده این گروه باعث نگرانی محافل مرتبط با مؤسسات نظامی ترکیه شد، این اتفاق نیز پس از آن افتاد که نواری صوتی از دیدار گولن با برخی عناصر نزدیک وی منتشر شده بود که گولن در آن تصریح می کرد

که هدف او تغییر تدریجی حاکمیت در ترکیه از لائیک به سمت اسلام‌گرایی است. در ادامه این اقدامات بود که گولن در سال ۱۹۹۹ بعد از اینکه به این نتیجه رسید که دولت ترکیه در پی اتهام زنی و بازداشت او است، این کشور را ترک کرده و به آمریکا رفت و در ایالت پنسیلوانیا و در فضایی دنج در خارج از این شهر به زندگی مشغول شد. وی البته در این شهر نیز از اقدامات خود دست برنداشت. هوادارانش او را فردی الهام‌شده و تقریباً معصوم می‌دانند، لذا او تسلط کاملی بر افراد گروهش دارد.

با روی کار آمدن «حزب عدالت و توسعه»، جریان گولنیست‌ها از فضای آزاد به وجود آمده نهایت استفاده را بردند. در این مدت تعقیب عناصر اسلام‌گرای گولنیست متوقف شد و این جماعت فعالیت‌های آموزشی و خیریه خود را گسترش داده و در زمینه‌های مالی و تجارت در داخل و خارج از ترکیه نیز وارد فعالیت شدند. در می سال ۲۰۱۰ بعد از اینکه حادثه کشتی مرمهره به وقوع پیوست و عناصر نظامی رژیم صهیونیستی در مسیر نوار غزه به این کشتی حمله کرده و تعدادی از شهروندان ترک را کشتند، «گولن»، اردوغان را مسئول این اقدام دانست.

«حزب عدالت و توسعه» نیز این موضع‌گیری را در راستای تأیید رژیم صهیونیستی توصیف کرد. در فوریه سال ۲۰۱۲ جماعت گولن نشست محرمانه «هاکان فیدان» رئیس سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه با حزب کارگران کردستان را که حزبی ممنوعه در این کشور بود، لو داد. این موضوع ضربه سختی به اعتبار جریان حاکم ترکیه وارد کرد، اما آنها اعلام کردند که نوار مربوط به مذاکرات انجام شده در این نشست از طریق اسرائیلی‌ها لو رفته و در اختیار جماعت

گولن قرار گرفته تا به فیدان و نخست وزیر ترکیه ضربه بزند. در نوامبر و دسامبر سال ۲۰۱۳ بحران تازه‌ای در مناسبات بین دو طرف به وقوع پیوست. در آن زمان دولت اردوغان اعلام کرد که می‌خواهد در عملکرد مدارس که خود را برای آماده‌سازی برای ورود به دانشگاه‌ها معرفی کرده و در تعطیلات آخر هفته برنامه دارند، تجدیدنظر کند. جماعت گولن بخش گسترده‌ای از این مدارس را در اختیار داشت. این مدارس علاوه بر درآمدهای مالی زیادی که برای جماعت گولن به دنبال داشت، پوششی برای فعالیتهای تبلیغی این جریان نیز به شمار می‌رفت. گولن با سیاستهای دولت ترکیه در قبال این مدارس به شدت مخالفت کرد، رسانه‌های وابسته به وی نیز حجم گسترده‌ای از تبلیغات را بر ضد اردوغان و دولتش به راه انداختند. همچنین محافل نزدیک به گولن اعلام کردند که دیگر در هیچ انتخاباتی به نفع «حزب عدالت و توسعه» رأی نخواهند داد. هنوز بحران مدارس آماده‌سازی برای کنکور کاملاً فروکش نکرده بود که پرونده فساد روی کار آمد. براساس فشارهایی که جماعت گولن به آمریکا وارد کرد، تعدادی از عناصر کنگره آمریکا ترکیه را به ایجاد تسهیلات برای تاجران ایرانی متهم کردند، «بانک خلق ترکیه» یکی از مؤسسات تجاری ترکیه بود که در معرض این هجمه تبلیغاتی قرار داشت. تمامی این عوامل باعث افزایش شکاف و اختلاف بین «حزب عدالت و توسعه» و «جماعت گولن» شد. گفته می‌شود پرونده‌هایی نظیر تلاش اردوغان برای حل موضوع کردها، رکود مناسبات دولت ترکیه با رژیم صهیونیستی و سیاستهای آنکارا مبنی بر همکاری با ایران و هم‌گرایی به‌وجود آمده بین «حزب عدالت و توسعه»

و «جریان اسلام‌گرای اخوانی» در جهان عرب و اسلام از دیگر پرونده‌های اختلافی بین اردوغانیست‌ها و گولنیست‌ها است. کودتای نافرجام انجام شده در ترکیه و اتهامات مطرح شده از سوی آنکارا مبنی بر دست داشتن «جماعت پنسیلوانیا» در کودتای نافرجام جولای گذشته اوج شکاف و اختلاف فیما بین این دو گروه را نشان داد، «فتح الله گولن» البته هر نوع انتساب به این کودتا را قویاً تکذیب کرد، ترکیه با اصرار از دولت اوپاما و دولت جدید آمریکا به ریاست دونالد ترامپ درخواست کرده تا «فتح الله گولن» را به این کشور تحویل دهد، اما دولت اوپاما با این خواسته مخالفت کرد. دولت ترامپ نیز گرچه رویکرد هم‌گرایی با آنکارا را در دستور کار خود قرار داده، اما به نظر می‌رسد همواره به دنبال استفاده از برگه گولن در اعمال فشار بر ضد دولت ترکیه است تا بتواند از آن در مواقع ضروری به نفع سیاستهای منطقه‌ای خود استفاده کند. اردوغان در مرحله بعد از کودتا موج گسترده پاک‌سازی‌ها بر ضد جریانهای حامی «فتح الله گولن» را در این کشور به راه انداخت و همان طور که پیش‌بینی می‌شد بخش عمده‌ای از این پاک‌سازی‌ها متوجه مدارس آموزشی وابسته به گولنیست‌ها شد. بسیاری از این مدارس در همین راستا تعطیل شدند و بسیاری از مربیان این مدارس و سایر مدارس ترکیه به‌علاوه مؤسسات قضایی و نظامی به اتهام ارتباط با گولنیست‌ها از شغل خود برکنار شدند. همچنین از زمان بروز اختلافات فیما بین «حزب عدالت و توسعه» و «جماعت گولن»، چندین مرتبه اصلاحات وزارتی در این کشور به وقوع پیوست که تنها یکی از آنها در دسامبر سال ۲۰۱۴ بود که در جریان آن ۱۰ وزیر برکنار شدند.

فصل سوم: بررسی ابعاد کودتای ترکیه

■ عوامل شکست کودتا

کودتاپچیان مجموعه‌ای از اشتباهات را مرتکب شدند که این اشتباهات در کنار یکدیگر باعث شد تنها طی چند ساعت تلاشهای آنها برای کنترل امور با شکست مواجه شود. در حالی که کودتا اندکی پیش از ساعت ۱۱ شب (۱۵ جولای ۲۰۱۶) آغاز شده بود، در ساعت ۳ صبح اولین شاخصهای شکست کودتا خود را نشان داد. طی این ساعات بود که عملیات گسترده و مستمر برای پیگیری و تحت تعقیب قرار دادن عناصر کودتاپچی و پاکسازی نیروهای مسلح و بخشهای دیگر دولتی از کودتاگران آغاز شد.

به نظر می‌رسید که کودتاگران برنامه‌ریزی کرده بودند عملیات خود را از ساعت سه صبح ۱۶ جولای آغاز کنند، اما افسران کودتا در مقرر فرماندهی ارتش در ساعت پنج بعدازظهر روز ۱۵ جولای

متوجه شدند که سرویسهای اطلاعاتی از ماهیت کودتا مطلع شده است، به همین علت عملیات خود را چند ساعت قبل از موعد مقرر آغاز کردند. همین شتابزدگی باعث شد هماهنگی بین بخشهای مختلف کودتاچی از بین برود. همچنین از آنجایی که کودتا زمانی اتفاق افتاد که مردم ترکیه هنوز نخوابیده بودند، فرصت زیادی فراهم شد تا حرکت افکار عمومی در حمایت از دولت ترکیه شکل بگیرد.

اشتباه دیگری که کودتاچیان مرتکب شدند این بود که پیش از انجام کودتا از تأیید هیچ یک از محافل سیاسی و مؤسسات تبلیغاتی بزرگ این کشور مطمئن نشده بودند. شاید آنها تصور می کردند که این اقدام ممکن است نتایج مثبتی را نداشته باشد و کودتای صورت گرفته قبل از آغاز، لو برود. اشتباه دیگر کودتاچیان زمانی بود که تصمیم به موشک باران پارلمان ترکیه گرفتند، این اتفاق پیش از این حتی در زمان اشغال استانبول توسط انگلیسیها بعد از شکست در جنگ جهانی اول نیز سابقه نداشت. موشک باران پارلمان احساسات بسیاری از مردم این کشور را برانگیخت و مخالفت کودتاچیان با عزم و اراده مردم، انگیزه عمومی برای تقابل با این کودتا را افزایش داد.

همچنین عوامل دیگری نیز وجود دارد که نقش مهم و گستردهای در شکست تلاش کودتاگران ایفا کرد. این عوامل عبارتند از:

اول: سرویس اطلاعاتی ترکیه از ساعت چهار بعد از ظهر روز قبل متوجه شده بود که احتمالاً برنامه ریزی برای تحرکات نظامی بر ضد دولت در دست انجام است. «هاکان فیدان» رئیس سرویس اطلاعاتی ترکیه در همین رابطه با رئیس ستاد ارتش جلسه‌ای را

۳۱ تشکیل داده و به وی نسبت به این برنامه هشدار داد. در همین رابطه بود که رئیس ستاد ارتش دستور داد هر نوع تحرک نظامی در خارج از پادگانها ممنوع اعلام شود. البته آنها هم از حجم برنامه ریزی شده کودتا اطلاعی نداشتند. دست کم شرایط شخصی رئیس ستاد ارتش نشان می داد که او تصور می کرد کودتا در خارج از آنکارا صورت گیرد.



هنگامی که اقدامات علنی کودتا در ساعت ۱۱ شب آغاز شد و کودتاچیان تلاشهای خود برای تسلط بر مقرر فرماندهی اطلاعات را آغاز کردند، فیدان به عناصر سرویس اطلاعاتی دستور داد در برابر مهاجمین تا آخرین نفر مقاومت کنند. شاید بتوان گفت که شکست در تسلط بر مقرر سرویس اطلاعات ترکیه در آنکارا، اولین نشانه شکست کودتاچیان بود. این در حالی بود که قتل رئیس جمهور و رئیس سرویس اطلاعات ترکیه از مهم ترین اولویتهای کودتاگران به شمار می رفت. اما سازمان اطلاعات ترکیه در ادامه نیز نقش مهمی در ترویج کودتاچیان و پیگیری شبکه های حامی آنها در مؤسسات دولتی ایفا کرد.

دوم: رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه شجاعت قابل ملاحظه‌ای را در تقابل با کودتاچیان از خود نشان داد. مواضع شجاعانه وی باعث توجه گسترده مردمی و پاسخ آنها به مطالبات وی شد. وی از هتل محل استقرار خود از طریق تلفن همراه با شبکه سی‌ان‌ان تماس گرفته و تأکید کرد که دولت و رئیس‌جمهور در برابر شورش نظامی خواهند ایستاد. تنها چند دقیقه پس از سخنان منتشر شده اردوغان، صدها هزار تن از مردم ترکیه در استانبول، آنکارا و سایر شهرهای ترکیه به خیابانها و میداين اصلی ریختند. درگیری‌های خونین بین مردم و کودتاچیان در پل «بسفر» و سایر مناطق مهم آنکارا پایتخت ترکیه به وقوع پیوست.



ارتباط اردوغان با شبکه CNN از طریق نمازخانه تلفنی اسکایپ

مردم همچنین موفق شدند در بسیاری از مناطق جلوی کودتاچیان ایستادگی کنند، از جمله این مناطق مؤسسه رسمی صدا و سیما بود که با کمک نیروهای امنیتی و پلیس این کشور انجام شد. اما مهم‌ترین موفقیت در پاکسازی فرودگاه آتاتورک از نیروهای کودتاچی بود که به هواپیمای اردوغان اجازه داد به سلامت در استانبول به زمین بنشیند و در ادامه در میان مردم این شهر حاضر شود.

سوم: شجاعت نخست‌وزیر، سایر اعضای کابینه و پارلمان ترکیه که در آنکارا حضور داشتند نیز از شجاعت رئیس‌جمهور کمتر نبود، نخست‌وزیر اولین کسی بود که تلاش برای کودتا در این کشور را محکوم کرده و عدم مشروعیت نظامی و سیاسی آن را اعلام کرد. وی اولین کسی بود که به ملت ترکیه خبر داد که دولت‌ش همچنان به وظایف خود عمل خواهد کرد و مصمم به مقابله با کودتاچیان است. بسیاری از وزرای ترکیه از جمله وزیر امور داخلی، دادگستری، وزیر خارجه و وزیر امور اروپا نیز چنین موضع‌گیری‌هایی داشتند.

چهارم: در ترکیه نه تنها اراده ملی متحد بر ضد تلاشهای کودتاگران شکل گرفت، بلکه خیلی زود مشخص شد هیچ جریان سیاسی یا سازمان یا فعالان مدنی وجود ندارد که کودتاچیان را تأیید کند، حتی رهبران احزاب ملی و خلق کرد نیز با نخست‌وزیر تماس گرفتند و تأکید کردند که مخالف کودتا هستند و از آن حمایت می‌کنند. تمام شبکه‌های تلویزیونی خصوصی حامیان و منتقدان دولت نیز بعد از تردیدی کوتاه مدت مخالفت خود را با کودتاچیان اعلام کردند. البته این اتفاقات زمانی افتاد که مشخص شد کودتاچیان طرح و برنامه مشخصی برای ادامه اقدامات خود ندارند و سیگنال‌های شکست آنها بروز پیدا کرده بود.

پنجم: درست است که حجم شبکهٔ کودتای نظامی گسترده بود، اما کودتاگران با وجود بازداشت رئیس ستاد ارتش، فرمانده نیروی زمینی، هوایی، دریایی و با وجود تهدید به قتل آنها، نتوانسته بودند این افراد را با خود همراه کنند. مخالفت «خلوصی آکار» رئیس ستاد ارتش و مخالفت فرمانده نیروی زمینی با کودتا، موجب شد تا کودتاچیان مشروعیت زنجیرهٔ فرماندهی و دستورات نظامی را از دست بدهند.

ششم: پاکسازی صورت گرفته در وزارت کشور ترکیه که از سال ۲۰۱۳ توسط «افغان علاء» آغاز شده بود، نقش عمده‌ای در پیشبرد اهداف دولت ترکیه و حمایت از مشروعیت دولت این کشور در برابر کودتاچیان داشت. به این ترتیب از همان ساعات اولیه کودتا بیشتر عناصر پلیس و نیروهای امنیتی دستور وزیر کشور مبنی بر مقابله با کودتاچیان و ایجاد حمایت از مردم را در دستور کار خود قرار دادند.

هفتم: رهبران کودتاچی و افسران شرکت کننده در آن علاوه بر این که طرح و برنامه دقیق و مدون برای اقدامات خود نداشتند، اقدام به فریب دادن برخی از نظامیان کرده بودند تا آنها را برای مقابله با مردم به خیابان بکشاندند. آنها به برخی نظامیان گفته بودند که در یک مانور نظامی داخل شهری شرکت می‌کنند و به برخی دیگر نیز این‌گونه القا شده بود که قرار است کشور را از دست یک عملیات نجات دهند.^۱

■ سناریوهای موجود در زمینه پشت پرده کودتای ترکیه

انجام کودتای ۱۵ جولای و شکست ناگهانی و سریع آن همه را شگفت زده کرد. در اواخر شب در حالی صحبت از سقوط آنکارا و استانبول به میان می‌آمد که چند ساعت بعد مؤلفه‌های شکست کودتا خود را نشان داد و هنوز صبح نشده بود که اردوغان پیروزمندانه در استانبول در نشست خبری شرکت کرد و شکست کودتا را اعلام نمود. ابهام‌های زیادی در رابطه با ماهیت این کودتا وجود دارد. عده‌ای آن را یک حرکت نمایشی از سوی حزب حاکم این کشور می‌دانند که برای مهندسی سیاسی اجتماعی بعد

1. www.studies.aljazeera.net/ar/positionestimate/2016/07/160720103630108.html

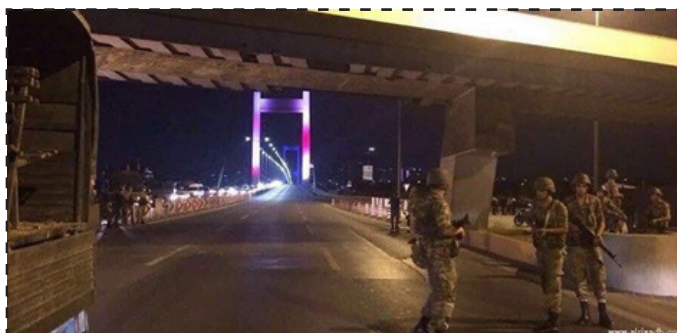
از انتخابات و پاکسازی نهایی جامعه و مؤسسات قضایی و نظامی از عناصر منتقد دولت برنامه‌ریزی شده بود. گروهی دیگر آن را پروژه خارجی در همکاری با مخالفان داخلی دولت می‌دانند که هدفش برکناری دولت بود. برخی نیز این کودتا را در نتیجه فرایند داخلی متأثر از روندهای سیاسی و بحرانهای اجتماعی موجود در ترکیه می‌دانند که به صورت خودجوش در تقابل با آنها شکل گرفته است. این گروه معتقدند که در کشور کودتا خیر ترکیه بحرانهای موجود در سالهای ۱۹۶۰، ۱۹۷۱، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۷ به اندازه نیمی از بحرانهای کنونی نیز بودند، اما در آن زمان کودتا در این کشور شکل نگرفته بود. بنابراین با توجه به شرایط عمومی کشور و سیاستهای سرکوب‌گرایانه دولت و روند تحولات منطقه بروز کودتایی در این هزینه دور از انتظار نبود.

■ سناریو اول؛ کودتای نمایشی

ادله گروه اول که کودتا را اقدامی نمایشی از سوی حاکمیت اردوغان می‌خوانند، به موج سرکوبگری و پاکسازی‌های صورت گرفته بعد از این کودتا اشاره می‌کند. آنها معتقدند که اردوغان عمق بحرانهایی که در نتیجه سیاستهای پیشین خود ایجاد کرده بود را به خوبی می‌دانست و تلاش داشت حالت انفجار آمیز موجود در عرصه داخلی ترکیه را مدیریت کند. تغییر ساختار، تعیین نفرات و تغییر قوانین کشور در نتیجه شرایطی که پس از کودتا در ترکیه پیش می‌آمد، بستر و زمینه را برای پیشبرد اهداف اردوغان در این زمینه ایفا می‌کرد. یکی از مهم‌ترین این اهداف برنامه‌ها همه‌پرسی قانون اساسی در این کشور بود که نیاز داشت

موانع موجود در مسیر این روند از بین برود. طرفداران این نظریه معتقدند اردوغان کودتایی را پس از کودتای نافرجام صورت گرفته در این کشور انجام داده و تمامی کسانی که با سیاستها و مدل حاکمیتی وی انتقاد داشتند را سرکوب کرد. به همین علت بود که میزان بازداشت افراد مختلف در ترکیه که حتی تا روزهای اخیر نیز ادامه داشت، بالغ بر ۴۰ هزار نفر ارزیابی شده و بیش از ۱۲۵ هزار نفر به عناوین مختلف از شغل خود اخراج شدند. این عده به اشتباهات کودکانه عوامل کودتا در روند اقدامات نظامی در زمینه شکست در هدف قرار دادن افرادی نظیر «رجب طیب اردوغان»، «بن علی یلدریم» نخست وزیر و «هاکان فیدان» رئیس اطلاعات این کشور اشاره کرد که در هر اقدام کودتاگونه لزوماً باید در صدر اولویت بازداشت یا قتل قرار می گرفتند، به این معنی که زمان کودتا متناسب با شرایط به وجود آمده برای حذف این افراد برنامه ریزی می شد. ساختار ارتش، پلیس، دستگاه قضایی، سیستم آموزشی، سیستم اقتصادی و رسانه های ترکیه مؤسساتی بودند که در پی کودتای صورت گرفته در این کشور هدف هجوم جریانهای حامی دولت قرار گرفتند و بیشترین استحاله، تغییر و تحولات بر اساس منافع دولت در آن شگل گرفت، چرا که پیش از این بیشتر موانع را برای اردوغان ایجاد کرده بودند. به این ترتیب از مجموع ۳۶۰ ژنرال موجود در ارتش ترکیه بالغ بر ۱۵۰ نفر در مظان اتهام قرار گرفتند، همچنین ۱۰۹۹ سرهنگ، ۴۳۶ درجه دارد و ۲۸۳ نفر از گارد ریاست جمهوری دستگیر شدند. اردوغان همچنین گارد ریاست جمهوری ۲۵۰۰ نفر را منحل کرده و فرمانده ژاندارمری و گارد ساحلی را زیر نظر وزارت کشور قرار داد.

۳۷ این در حالی است که ارتش تاکنون چندین مرتبه به‌ویژه در پی پرونده آرگنه کن تصفیه شده بود.



در سیستم قضایی نیز، اردوغان بیشتر قضاتی که نشانه‌های از وابستگی آنها به «فتح الله گولن» وجود داشت، یا کسانی که از منتقدان و مخالفان دولت بودند و در گذشته مشکلاتی را برای او در پرونده‌های امنیتی و مالی ایجاد کرده بودند، برکنار کرد. برکناری ۲۱ قاضی نظامی و ۷۵۵ کارمند زیادی در همین راستا صورت گرفته است. اردوغان سیستم آموزشی ترکیه را که متأثر از مدارس وابسته به «فتح الله گولن» بود را استحال کرد. تعطیلی ۱۰۴۳ مدرسه، ۱۵ دانشگاه، ۲۸۴ مؤسسه خصوصی، ۴۴۹ کارگاه دانشجویی، اجبار به استعفای ۱۵۷۷ رئیس دانشگاه و دانشکده، ابطال مجوز کار ۲۱ هزار معلم و برکناری ۱۵۲۰۰ کارمند آموزش و پرورش از جمله اقدامات اردوغان در راستای پاکسازی سیستم آموزشی این کشور بود. حمله به جامعه مدنی، حزبی و رسانه‌ای ترکیه نیز پس از کودتای ناموفق در این کشور با شدت بیشتری دنبال شد. تا این لحظه ۱۶ شبکه تلویزیونی، سه سایت خبری، ۲۳ شبکه

رادیویی، ۴۷ روزنامه، ۱۵ نشریه، ۲۹ مؤسسه، ۱۹ اتحادیه، ۱۲۲۹ مؤسسه خیریه و حتی ۳۵ مرکز درمانی تعطیل شدند. همچنین ۳۰ فرماندار، ۵۲ بازرس، ۸۷۷۷ کارمند دولتی، ۱۶ مشاوره حقوقی، ۲۵۷ نفر از کارمندان دفتر نخست وزیری و ۳۰۰ نفر در وزارت انرژی از کار خود برکنار شدند. موافقان نظریه نمایشی بودن کودتای ترکیه معتقدند این حجم از اقدامات سرکوب‌گرانه جز در سایه طراحی کودتای ناموفق و جلب همبستگی بیشترین حد از افکار عمومی و احزاب این کشور ممکن نبود.

■ سناریوی دوم؛ کودتای آمریکایی

گروه دوم معتقد به دست داشتن یک دولت خارجی بعلاوه مزدوران داخلی در این کودتا بودند. این فرضیه‌ای بود که دولت ترکیه نیز آن را مطرح کرد. اردوغان برنامه‌ریزی این کودتا را از پنسیلوانیا توصیف کرده و مدعی شد که «فتح الله گولن» با همکاری دولت آمریکا که از مواضع مستقل ترکیه در تحولات منطقه‌ای تشکیل هستند، این کودتا را طراحی و اجرا کرده‌اند. در همین راستا می‌بینیم که بسیاری از مؤسساتی که اندکی شبهه ارتباط یا وابستگی آنها به «فتح الله گولن» وجود داشت، مسدود شده و بسیاری از شخصیتها به همین جرم بازداشت یا از شغل خود منفصل شدند. این عده اعتقاد دارند که حضور گولن در آمریکا و فعالیت بیش از ۱۰۰ مدرسه وابسته به گولن در این کشور نشان از روابط نزدیک وی با دولت‌مردان آمریکایی دارد. همچنین در ماه‌های قبل از کودتا اختلاف‌نظرهایی بین آمریکا و ترکیه در زمینه تحولات مربوط به جهان عرب به‌ویژه مصر، سوریه و کردها به‌وجود آمده بود. علاوه بر اینکه آنکارا در این زمان تلاش داشت

تا بیش از پیش به روسیه و ایران نزدیک شود. نکته جالب توجه در تأیید اظهارات این دسته در اینجا بود که سه مورد از مراکز مطالعاتی آمریکایا به فاصله سه ماه قبل از کودتاهای صورت گرفته در ترکیه تحلیلهایی را در رابطه با احتمال انجام چنین کودتایی منتشر کرده بودند. مرکز مطالعاتی «آمریکن اینترپرایز»^۲ در مقاله‌ای در فروردین ماه گذشته و سه ماه قبل از انجام کودتای ناموفق در ترکیه با عنوان «آیا یک کودتا در ترکیه امکان وقوع دارد» نوشت: اردوغان مدتی پیش که به فکر شکست ارتش ترکیه بود، هم ایالات متحده و هم اتحادیه اروپا از او حمایت کردند. اما این حمایتها قبل از آشکار شدن استبداد و جنونش بود. پس اگر ارتش ترکیه برای برکناری اردوغان تلاش کند معلوم نیست که آیا آنها همان روال قبل را پیش بگیرند یا نه؟ در این برهه از زمان، بدون شک دولت اوباما کاری بیشتر از سرزنش رهبران کودتا انجام می‌دهد به‌ویژه اگر آنها خود راهی برای بازگشت دموکراسی انجام دهند.

این مرکز مطالعاتی پیش‌بینی وقوع حوادثی مشابه مصر در ترکیه را در دستور کار قرار داده و می‌نویسد: با در نظر گرفتن افزایش اختلاف و ناسازگاری در ترکیه و هم‌چنین احتمال اینکه ارتش ترکیه صدمه‌ای از پیامدهای آن نداشته باشد، از مدل «عبدالفتاح» در مصر تقلید خواهد کرد، پس هیچ‌کس از سخت‌تر شدن سیاستهای سخت ترکیه متعجب نخواهد شد.



تصویر مقاله تحلیلی اندیشکده آمریکایی امریکن اینتر پرایز درباره احتمال کودتا در ترکیه

نشریه آمریکایی «واشنگتن تایمز»^۳ یک ماه بعد در مقاله‌ای نوشت: رهبران نظامی ترکیه در یک اقدام غیرعادی تلاش برای کودتا را انکار کردند. اما با وجود ناآرامی‌های داخلی، افزایش خطر تروریسم، آشوبهای منطقه و سابقه مداخلات نظامی آنکارا در خارج، باعث نشد تا این تکذیبها از گسترش شایعه [کودتا] و رسیدن آن به واشنگتن جلوگیری کند.



تصویر مقاله تحلیلی نشریه واشنگتن تایمز درباره احتمال کودتا در ترکیه

3. www.washingtontimes.com/news/2016/apr/7/recep-tayyip-erdogan-uses-turkey-military-coup-buz/

۴۱ «مشائیل روبین» تحلیلگر دفاعی و امنیتی در امریکن اینترپرایز و از مقامات قبلی پنتاگون معتقد است که تاکتیکهای حکومتی اردوغان از جمله زندانی کردن مخالفان، توقیف روزنامه‌ها و ... خارج از کنترل شده است. روبین می‌گوید اگر مقامات نظامی ترکیه با یک کودتا به این اقدامات پاسخ دهند، کسی نمی‌تواند مانع آن شود و واشنگتن مانند آنچه که سه سال پیش در قاهره رخ داد، از آن حمایت خواهد کرد.

اطلاع آمریکایی‌ها از کودتای به وقوع پیوسته در ترکیه به همین مقدار نیز نبود، یک ماه بعد از انتشار مقاله دوم یعنی حدوداً چند روز قبل از کودتا این بار نوبت مرکز مطالعاتی «فارین افیرز»^۴ بود تا مقاله‌ای در این رابطه منتشر کند و بنویسد که اردوغان با چراغ سبز نشان دادن به ارتش برای ادامه جنگ با شورشی‌های کُرد، در یک اتحاد دوستانه با ارتش گرفتار شده است. اردوغان معتقد بود با این کار به چند هدف نائل می‌شود، هم کردها مهار می‌شوند و هم از خطر کودتای ارتش در امان می‌ماند. اما قدرت دادن به ارتش ریسک بزرگی بود. حتی در میان حلقه نزدیک اردوغان و برخی از مشاورانش هستند عده‌ای که به خاطر تهدیدات سخت به دنبال حاکمیت «حزب عدالت و توسعه» کینه‌ای شده و به دنبال تلافی باشند.



تصویر مقاله تحلیلی مرکز مطالعات فارین افیرز درباره کودتای نظامی در ترکیه

4. www.foreignaffairs.com/articles/2016-05-30/turkeys-next-military-coup

گروه دوم اعتقاد داشتند که نظریه طیف اول درست نیست، چرا که در کشوری که حاکم آن با این حجم از مخالفان مواجه است، برگزاری یک کودتای نمایشی با این حجم از سوی دولت می‌تواند با ریسک بالایی برای مقامات این کشور همراه شده و چه بسا در مرحله‌ای، این مانور سیاسی به یک واقعیت تبدیل شود. علاوه بر اینکه مخفی کردن سرنخهای ارتباط دولت با کودتای نمایشی در این طیف وسیع مشکل به نظر می‌رسد. این گروه معتقدند که مشکلات اساسی که در روند کودتای نافرجام ترکیه به وجود آمد، در نتیجه ناهماهنگی‌های ایجاد شده به علت شتابزدگی در انجام آن بود. همان طور که گفته شد، این عملیات قرار بود ساعت ۳ نیمه شب انجام شود، اما لو رفتن عملیات باعث شد، کودتاچیان با شتابزدگی عملیات خود را زودتر از موعد مقرر انجام دهند.

■ سناریوی سوم؛ رویکرد تلفیقی

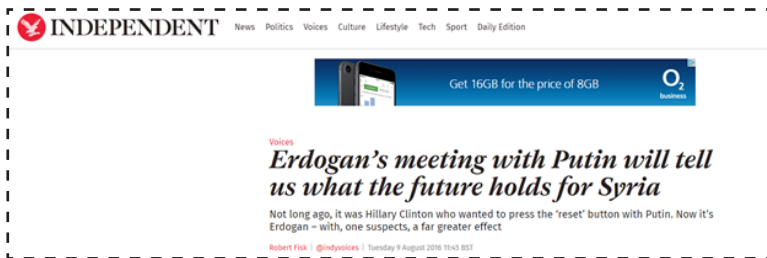
گروه سوم رویکردی تلفیقی را دنبال می‌کنند، آنها معتقدند بحرانهای موجود در ترکیه در دو حوزه داخلی و خارجی برای کودتا کافی است. اردوغان در حالی ارتش را به تبعیت از مواضع منطقه‌ای خود در زمینه ورود به جنگهای سوریه و یمن دعوت می‌کند که چندین بار ساختار و اعضای آن را هدف تصفیه قرار داده است. جنگ‌طلبی اردوغان در مورد کردها، عراق و سوریه ناخودآگاه باعث تقویت جایگاه ارتش، پلیس و سیستم قضایی در این کشور شده بود، این در حالی است که نارضایتی در بدنه ارتش در سالهای اخیر در حال افزایش بوده است و شرایطی را به وجود آورده است که ارتش بخواهد دست به کودتا بزند. شرایط بد دموکراسی در

۴۳ ترکیه و وضعیت ناامنی‌های موجود در این کشور بعلاوه بحران اقتصادی از دیگر عواملی است که علاوه بر ارتش ناراضی‌های عمومی از عملکرد دولت را نیز به دنبال داشته است. این عده معتقدند که زمینه‌های کودتا در میان ارتش به صورت خودجوش وجود داشته و مخالفانی نیز مانند گولنی‌ها از این روند بدشان نمی‌آمد، لذا اردوغان نیز که تحت فشار بود، فرصت لازم برای اجرای کودتای ناقص را به آنها داد تا بتواند در راستای منافع خود از این کودتا استفاده کند.

■ نقش ایران در ناکام ماندن کودتای ترکیه

موضوعی که در هیاهوی مرحله پسا کودتا در ترکیه مغفول ماند، نقش سرویس‌های اطلاعاتی ایران در هشدار دادن به کودتا و تأثیر آن در لو رفتن نقشه کودتا در این کشور بود. مهم‌ترین منبع رسانه‌ای که به این موضوع اشاره کرد، «رابرت فیسک» روزنامه‌نگار مشهور و تحلیلگر برجسته مسائل خاورمیانه در روزنامه «آیندپندنت» بود^۵ که در مقاله‌ای نوشت ایران و روسیه به ترکیه درباره وقوع کودتای نظامی در این کشور هشدار داده بودند. البته روایت‌های دیگری نیز در این زمینه مطرح شد و برخی رسانه‌های عرب‌زبان اعلام کردند که اردوغان قصد فرار از ترکیه به مقصد قطر را داشت، اما بنا به توصیه ایران در کشور باقی ماند و از مردم خواست تا به خیابانها بریزند.

5. www.independent.co.uk/voices/erdogan-putin-turkey-russia-meeting-after-failed-coup-isis-syria-what-future-holds-a7180551.html



تصویر مقاله رابرت فیسک در روزنامه انگلیسی ایندپندنت

صرف نظر از اعتبار سنجی روایت‌های مطرح شده در این زمینه، ایران علاوه بر هشدار نسبت به بروز احتمالی کودتا در ترکیه، جزو معدود کشورهایی بود که بلافاصله بعد از آغاز کودتا و در حالی که هنوز وجهه کلی کودتا در ترکیه مشخص نشده بود، از دولت قانونی این کشور حمایت کرده و تلاش‌های کودتاچیان برای سرکوب رویکرد دموکراتیک در ترکیه را محکوم کرد. در همین رابطه «محمدجواد ظریف» وزیر امور خارجه کشورمان در ساعات پایانی ۱۵ جولای با «چاوش اوغلو» همتای ترک خود که کشورش با تهدید جدی کودتا و سقوط مواجه شده بود، تماس تلفنی برقرار کرد. «علی شمخانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران نیز بلافاصله پس از برگزاری نشست فوق‌العاده به ریاست حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران، کودتا را محکوم کرد. وی نیز خط تماس با مقامات امنیتی آنکارا برای بهبود شرایط این کشور جهت پیروزی بر کودتاگران را دنبال می‌کرد.



تصویر پیامهای وزیر امور خارجه در راستای محکومیت کودتا در ترکیه

سایت اینترنتی المانیاتور^۶ در این رابطه به نقل از یک مقام ایرانی می‌نویسد: همه ایران به شدت نگران بودند. ترکیه کشور همسایه است. رجب طیب اردوغان و دولتش شریک قدرتمند ایران هستند. ملت‌های ما پیمان برادری قوی‌ای دارند. بنابراین این کوچکترین کاری بود که برای نشان دادن همبستگی‌مان می‌توانستیم بکنیم. بنابراین تلاش کردیم در شرایطی حساس به آنها پیشنهاد کمک کنیم.

6. www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/07/iran-reactions-turkey-coup-attempt-zarif-erdogan.html



تصویر یادداشت تحلیلی پایگاه آمریکایی المانیتر درباره ارتباط ایران و ترکیه بعد از کودتا

فیسک می‌گوید که روسیه و قطعاً ایران با هشدار دادن به اردوغان نسبت به تلاش برای کودتا علیه او، نقش هوشمندانه‌ای ایفا کردند. وی انگیزه تهران از این اقدام را تغییر موضع آنکارا در قبال بحران سوریه عنوان کرده است.

رویکرد ایران همان طور که مقامات این کشور بارها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های گوناگون مطرح کرده‌اند، حمایت از روند دموکراسی در کشورهای مختلف است، فرقی نمی‌کند که این کشور ترکیه باشد یا سوریه یا یمن و بحرین یا عربستان و هر طرف دیگر در منطقه. ایران همواره حامی رأی حد اکثری افکار عمومی کشورها و اراده آنها برای تعیین حاکمان خویش است و در همین راستا از دولت مشروع و برآمده از انتخابات آزاد در ترکیه نیز حمایت کرد. از سوی دیگر موفقیت روند کودتا، ثبات داخلی در ترکیه را با تهدید مواجه می‌کند و این تحرکات می‌توانستند زمینه‌ساز بروز

۴۷ درگیری‌های داخلی در این کشور باشد، درگیری‌هایی که ممکن بود که ثبات منطقه را دچار اختلال کند. مسئله دیگری که ثبات و امنیت ترکیه را در قاموس منافع ملی و امنیتی ایران قرار داده، این است که با روی کار بودن یک دولت اسلام‌گرا در آنکارا، روابط دو جانبه ایران و آنکارا در طی دهه گذشته بهبود یافته است و راهی را برای حل مسائل منطقه‌ای و اختلافات فراهم آورده است. به علاوه در اوج تحریم‌های هسته‌ای ایران، ترکیه نقش حیاتی را در کاهش فشار همسایه‌های شرقی‌اش بر ایران بازی کرد.

■ نقش کودتا در تحولات داخلی ترکیه

کودتا دو تأثیر کوتاه مدت و بلندمدت را در عرصه داخلی ترکیه به جای گذاشت. تأثیر کوتاه مدت آن ائتلاف ملی و وحدت داخلی قابل توجهی بود که میان جریانهای سیاسی داخلی این کشور در برابر کودتاگران به وجود آمد. حس تنفر نسبت به آمریکا، غرب و جریانهای حامی «گولن» از نشانه‌های دیگر این رویکرد بود، چرا که آنها اعتقاد داشتند که طرفهای مذکور در پس پرده این کودتا قرار داشته‌اند. بعد از این تحول همکاری بالایی در میان جریانهای سیاسی به وجود آمد. تأثیر بلندمدت این کودتا این بود که به اردوغان فرصت داد تا تمامی مخالفان و رقبای سیاسی را از عرصه حذف کند. در واقع اردوغان به بهانه کودتا موفق شد کسانی که هیچ ارتباطی با کودتا نداشتند را حذف کند یا آنها را در موضع انفعال قرار دهد. جریانهای حامی حزب حاکم در راستای فضای ایجاد شده به هر کسی که از سیاستهای داخلی و بین‌المللی اردوغان انتقاد کند، برچسب کودتاگر می‌زنند.

فصل چهارم: ترکیه و اصلاحات قانون اساسی

ترکیه در شرایط سختی از تاریخ خود قرار دارد، مدیریت اشتباه پرونده‌های منطقه‌ای و انفعال سیاستهای خارجی حزب حاکم، منزوی کردن بخشهایی از جریانهای مردمی در عرصه داخلی کشور و اصرار گسترده به اصلاحات قانون اساسی بخشهایی از این شرایط را شامل می‌شود. مردم ترکیه به علت اُفت شاخصهای اقتصادی و کاهش امنیت اجتماعی به‌علاوه فعالیت‌های تروریستی گسترده در کشور در ترس و وحشت قرار دارد، در چنین شرایطی حزب حاکم به دنبال پیشبرد برنامه‌های خود در جهت ایجاد اصلاحات قانون اساسی برای تبدیل ساختار حاکمیتی کشور از نخست‌وزیری به ریاست جمهوری است.

حزب «عدالت و توسعه» از ۵ سال پیش تاکنون برنامه‌ای را در دستور کار خود قرار داده که شامل تغییر قانون اساسی و نظام

۴۹ حاکمیتی ترکیه می‌شود. پیشنهاد اصلاحات نخستین بار توسط حزب عدالت و توسعه پس از پیروزی در انتخابات سراسری ۲۰۱۱ اعلام شد، اما از آن جا که کمیته قانون اساسی در پارلمان که با شرکت همه احزاب تشکیل می‌شود نتوانست در مورد آن به اجماع برسد از دستور کار خارج شد. پس از اینکه اردوغان در انتخابات ۲۰۱۴ به عنوان رئیس‌جمهور ترکیه انتخاب شد تلاشهای این جریان برای اصلاح قانون اساسی و تغییر نظام اجرایی بار دیگر قوت گرفت. این تلاشها در انتخابات سراسری ژوئن و نوامبر ۲۰۱۵ جزو سیاستهای اصلی حزب عدالت و توسعه بود. در نهایت «داووداوغلو» به دلیل مخالفت با «اردوغان» درباره تغییرات پیشنهادی در مورد قانون اساسی که منجر به حذف نخست‌وزیر می‌شد، از ریاست حزب عدالت و توسعه و نخست‌وزیری ترکیه کناره‌گیری کرد و «بن علی یلدیریم» جانشین او در نخست‌وزیری و ریاست حزب عدالت و توسعه شد. وی از همان لحظات اولیه تصدی این منصب اعلام کرد که به تحقق نظام ریاست جمهوری در کشور پایبند خواهد بود. لحظه سرنوشت‌ساز زمانی اتفاق افتاد که در روز ۱۵ جولای ۲۰۱۶ کودتای شکست خورده در این کشور رقم خورد. عملکرد اردوغان در برابر کودتاگران و موقعیت مردمی او، وی را به عنوان یک رهبر قابل اعتماد برای کشور و دولت نشان داد. از سوی دیگر تلاش صورت گرفته برای کودتا این رویکرد را در میان بخش گسترده‌ای از مردم به وجود آمد که نظام حاکمیت پارلمانی ثبات لازم را ندارد و ضرورتاً برای رسیدن به این ثبات باید موقعیت رئیس‌جمهور در کشور تقویت شود. به این ترتیب اردوغان از فرصتی که تلاش

ناکام برای کودتا در کشور به او داده بود استفاده کرد و بار دیگر موضوع تغییر حاکمیت کشور به نظام ریاست جمهوری را به اولویت اصلی مجادلات سیاسی در کشور بازگرداند.

■ روند اجرایی شدن اصلاحات قانون اساسی ترکیه

تصویب هر گونه اصلاحات در قانون اساسی ترکیه نیازمند رأی مثبت دوسوم از نمایندگان پارلمان این کشور، یعنی ۳۶۷ نماینده از مجموع ۵۵۰ نماینده پارلمان، و امضای رئیس‌جمهور و یا رأی مثبت سه‌پنجم نمایندگان یعنی ۳۳۰ نماینده، امضای رئیس‌جمهور و موافقت مردم در یک همه‌پرسی است.

روند تأیید نهایی اصلاحات قانون اساسی ترکیه شامل سه مرحله است:

۱- رأی دادن به بررسی این اصلاحات در مجمع عمومی پارلمان که با ۳۳۰ رأی از نمایندگان پارلمان از طریق در رأی‌گیری مخفیانه انجام می‌شود. این رأی‌گیری پیش از این با حضور ۴۸۰ نماینده پارلمان برگزار شد که ۳۳۸ نفر از آنها به بررسی این طرح رأی دادند. ۱۳۴ نفر مخالفت خود را با این طرح اعلام کردند و دو نماینده نیز رأی ممتنع دادند. ۵ نماینده نیز برگه خالی در صندوق انداخته بودند. این در حالی بود که حزب خلق این رأی‌گیری را تحریم کرده و در این نشست حاضر نشده بود.

حزب عدالت و توسعه ۳۱۶ رأی از آراء موافق را در اختیار داشت. اما بخشی از آراء حزب حرکت ملی با ۲۲ رأی و حزب ملی با ۴۰ کرسی در کنار این اصلاحات قرار گرفت تا حاکمیت اردوغان بتواند از این مرحله عبور کند.

۲- در مرحله دوم، اصلاحات پیشنهاد شده قانون اساسی به صورت

۵۱ جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. حضور هر یک از مواد در متن نهایی بعد از تصویب آن با ۳۳۰ رأی نمایندگان امکان پذیر است.

در صورت تصویب نهایی طرح اگر این طرح با تایید ۳۶۷ نفر از نمایندگان پارلمان همراه بود، نیاز به برگزاری همه پرسی مردمی نبود و این طرح بعد از موافقت رئیس‌جمهور و انتشار در روزنامه‌های رسمی ترکیه لازم‌الاجرا می‌شد. اما این اتفاق رخ نداد و حزب حاکم اردوغان برای رسیدن به اهداف خود نیازمند برگزاری همه پرسی در ۱۶ آوریل ۲۰۱۷ بود.

البته این یک قانون اساسی جدید نیست، بلکه مجموعه‌ای از اصلاحات برای قانون اساسی کنونی است که ۱۷ ماده را شامل می‌شود. این اصلاحات البته بزرگ‌ترین پروژه اصلاحاتی است که جمهوری ترکیه در تاریخ خود در زمینه تغییر ساختار حاکمیت این کشور با آن مواجه بوده است. قانونهای اصلاح شده در سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۸۲ که با اشراف و نظارت دولتهای کودتاگر صورت گرفته است، تغییرات زیادی را در ساختار حاکمیت، اختیارات، شرایط ریاست جمهوری و نخست‌وزیری ایجاد کرده است، اما هر دوی این اصلاحات، ماهیت نظام پارلمانی در این کشور را حفظ کرد. به این ترتیب اصلاحات پیشنهاد شده برای همه پرسی باعث می‌شود ترکیه رسماً به سمت نظام ریاست جمهوری پیش برود. همین موضوع باعث شده است که رقابت زیاد، طولانی و پیچیده‌ای برای آن به وجود آید و این حوادث تأثیرات گسترده‌ای بر موازنه‌های سیاسی این کشور داشته باشد.

می‌توان گفت که تغییر نظام حاکمیت ترکیه از پارلمانی به

ریاست جمهوری بزرگترین پروژه قانون اساسی حزب «عدالت و توسعه» و رئیس وقت آن یعنی «رجب طیب اردوغان» از زمان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۱ تاکنون بوده است.

■ چگونگی پیدایش بسترهای اصلاحات قانون اساسی

در روز ۱۱ اکتبر «دولت باغچلی»^۱ برای اولین بار به صورت مبهم از آمادگی حزبش جهت بررسی طرح نظام ریاست جمهوری در پارلمان خبر داد.^۲ این موضوع با واکنش مثبت نخست وزیر ترکیه مواجه شد و وی اعلام کرد که حزبش آمادگی ارائه پیش‌نویس برای اصلاحات قانون اساسی همراه با آغاز گفت‌وگوها با حزب «حرکت ملی» در رابطه با آن را دارد.



آمادگی حزب «حرکت ملی»^۲ جهت بررسی طرح نظام ریاست جمهوری در پارلمان ترکیه

۱- رهبر حزب «حرکت ملی» ترکیه

2. www.hurriyet.com.tr/bahceliden-baskanlik-sistemi-aciklamasi-40245467

۳- یک حزب راست‌گرای افراطی در ترکیه است. این حزب در سال ۱۹۶۹ با تغییر نام حزب ملت روستایی جمهوری خواه به رهبری «آلپ‌ارسلان تورکش» تأسیس شد

(جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به www.mhp.org.tr)

موضوع کردها که دولتهای متوالی عدالت و توسعه تلاش گسترده‌ای برای رسیدن به راه‌حل سیاسی آن از خود نشان دادند، یکی از مهم‌ترین شاخصهای مناسبات بین حزب «عدالت و توسعه» و حزب «حرکت ملی» بوده است. تغییر رفتار حکومت عدالت و توسعه در قبال فعالیتهای کارگران کردستان، اعمال خشونت و سرکوب آنها بستر مناسبی برای ایجاد هم‌گرایی بین این حزب با حزب «حرکت ملی» به وجود آورد که مواضع جدید دولت را بدون ملاحظه کاری تأیید کرد.

هم‌گرایی ایجاد شده بین دو طرف در نتیجه کودتای شکست خورده در تابستان ۲۰۱۶ تقویت شد، برخلاف آنچه که قابل پیش‌بینی بود، «دولت باغچلی» که حزبش مناسبات سنتی مستحکمی با ارتش و سیستمهای امنیتی داشت، از همان ساعات اولیه تلاش برای کودتا اعلام کرد که حزب «حرکت ملی» کودتاچیان را محکوم می‌کند و افسران حاضر در این کودتا را خائن توصیف می‌کند. شاید باغچلی خیلی زود به این نتیجه رسیده بود که تلاش برای کودتا ارتباط گسترده با جماعت گولن دارد که دشمنی خاصی با حزب حرکت ملی دارند. ملی‌گراها این گروه را خطری برای بقا و همبستگی موجود در دولت ترکیه می‌دانند.

رئیس حزب «حرکت ملی» در روز ششم فوریه سال ۲۰۱۷ اعلام کرد که حزبش در تبلیغات برای تصویب اصلاحات در همه پرسه‌های مشارکت خواهد داشت. برخی اطلاعات از دفتر ریاست جمهوری وجود دارد که نشان می‌دهد در صورتی که همه پرسه‌های مذکور با موفقیت انجام شده و ساختار قانون اساسی کشور به نظام ریاست جمهوری تغییر پیدا کرد، اردوغان تعدادی از وزرا را از میان حزب

«حرکت ملی» انتخاب کند و حتی افرادی از نزدیکان این حزب را به مناصب اداری عالی از جمله فرمانداری‌ها منصوب می‌کند. روزنامه حریت در نسخه انگلیسی خود در روز ۳۱ ژانویه گذشته نوشت که حزب «عدالت و توسعه» و «حرکت ملی» ائتلافی غیر رسمی را آغاز کرده‌اند.^۴

این مناسبات بدان معنا است که می‌تواند مبنایی برای حاکمیت ترکیه بیش از ۵۰ سال آینده باشد. بر کسی پوشیده نیست که وزنه انتخاباتی محافظه‌کاران (شامل راست‌گرایانه میانه و حامیان جریانهای اسلامگرا و ملی‌گرا) در ترکیه فراتر از ۶۰ درصد مردم ترکیه است. این وزنه موضوع جدیدی نیست و حتی به حزب «عدالت و توسعه» و «حرکت ملی» نیز مرتبط نمی‌شود، بلکه به دوره آغاز لیبرالیسم حزبی و حاکمیت دموکراتیک این کشور در سال ۱۹۵۰ باز می‌گردد و ثبات این رویکرد طی دهه‌های گذشته نشان دهنده ثبات عرصه سیاسی ترکیه، جریانها و نیروهای حاضر در آن است.

■ اصلاحات قانون اساسی یا دیکتاتوری مدرن؟

بر اساس طرح اصلاح شده قانون اساسی، حاکمیت دستگاه اجرایی کشور از نخست وزیر به رئیس‌جمهور منتقل می‌شود. همچنین رئیس‌جمهور کنونی که دوران ریاستش در سال ۲۰۱۹ به پایان می‌رسد، امکان کاندیداتوری برای دو دوره دیگر را نیز پیدا می‌کند. به این ترتیب اردوغان می‌تواند تا سال ۲۰۲۹ خود را در منصب ریاست جمهوری ترکیه حفظ کند.

4. www.studies.aljazeera.net/ar/positionestimate/2017/02/17020913465545.html

۵۵ همچنین بر اساس اصلاحات جدید در قانون اساسی ترکیه بر خلاف قوانین بسیاری از کشورهای دنیا رئیس‌جمهور این کشور مجبور نخواهد بود بعد از انتخاب، روابط خود را با حزب سیاسی‌اش قطع کند. اختیارات رئیس‌جمهور نیز شامل تعیین و برکناری وزرا و تعیین یک چند معاون برای خود خواهد بود و می‌تواند تصمیم‌های مختلفی را با قدرت قانون اتخاذ کند.

براساس قانون اصلاحات صورت گرفته در قانون اساسی ترکیه که در ۲۷ فروردین ۱۳۹۶ به همه پرسى گذاشته شده است، انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری به صورت هم‌زمان در نوامبر سال ۲۰۱۹ برگزار خواهد شد، رئیس‌جمهور برای یک مدت پنج ساله انتخاب می‌شود و این مدت برای یک دوره قابل تمدید است. این متن براساس مطالبات و خواسته‌های حزب قوی‌تر در ترکیه نوشته شده است، به این معنا که ستاد انتخاباتی پارلمانی و ریاست جمهوری می‌تواند تمامی پست‌ها را برای این حزب کسب کند.

یکی از بندهای اصلاحات صورت گرفته در قانون اساسی ترکیه بالا رفتن تعداد نمایندگان پارلمان از ۵۵۰ نفر به ۶۰۰ نفر و کاهش سن شرط ورود برای کاندیداتوری در انتخابات از ۲۵ سال به ۱۸ سال است. این اصلاحات به یکی از مشکلات اساسی اقلیتهای حزبی در ترکیه نپرداخته است. مشکل این احزاب، قانونی است که در سال ۱۹۸۰ تصویب شده و براساس آن هر حزب سیاسی برای ورود به پارلمان باید بتواند دست کم ۱۰ درصد از مجموع رأی‌ها را به خود اختصاص دهد. این تصمیم در گذشته برای جلوگیری از ورود جریانهای گُرد و علوی به پارلمان وضع شده بود و با وجود اینکه در سال ۲۰۱۰ نیز قانون اساسی ترکیه تعدیل شد، در این

دو نوبت، هیچ توجهی به این قانون صورت نگرفته است. در صورت تصویب نهایی اصلاحات قانون اساسی ترکیه، رئیس‌جمهور این کشور مسئولیت انتخاب ۱۲ قاضی از مجموع ۱۵ قاضی دادگاه قانون اساسی را بر عهده خواهد داشت، این در حالی است که مأموریت این قضات محاکمه رئیس‌جمهور در زمان وارد شدن برخی اتهامات بر ضد وی است. طبیعتاً این موضوع دور باطلی را ایجاد می‌کند که مانع از انجام وظیفه درست دادگاه مذکور می‌شود. وی همچنین انتخاب بیشتر وظایف کمیته عالی قضات و دادستانها را بر عهده خواهد داشت. کمیته عالی قضات مسئول انتخاب قاضیان در کشور، تأیید ترقی آنها و انجام انتقالهای آنها یا محاکمه احتمالی آنها است.

با تصویب نهایی اصلاحات صورت گرفته در قانون اساسی، رئیس‌جمهور این کشور می‌تواند در صورتی که پارلمان به دنبال تصویب قوانین یا اصلاح جدید قانون اساسی جهت کاستن از اختیارات رئیس‌جمهور باشد، پارلمان را منحل کند. به این ترتیب هیچ قدرتی در ساختار سیاسی ترکیه عمل نمی‌تواند مانع از قدرت بلامنازع رئیس‌جمهور این کشور شده یا وی را به علت اشتباهات احتمالی محاکمه یا برکنار کند، چرا که با اقدام فوری رئیس‌جمهور امکان انحلال پارلمان وجود دارد. پارلمان البته بر روی کاغذ امکان انحلال خود یا پایان دادن به دوره حاکمیت رئیس‌جمهور این کشور از طریق رأی دوسوم نمایندگان را در اختیار خواهد داشت.

همچنین براساس اصلاحات صورت گرفته، اختیارات رئیس‌جمهور در شرایط فوق‌العاده گسترش پیدا کرده و می‌توانند بدون مراجعه به پارلمان به مدت شش ماه این اختیارات را در دست داشته باشد تا در این مدت قوانین جدید ترسیم شود.

■ رأی موافق لرزان مردم ترکیه به تغییرات قانون اساسی

با وجود اینکه مردم ترکیه با رأی ۵۱/۲ درصدی خود با تغییرات قانون اساسی این کشور موافقت کردند، اما هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که این اصطلاحات لزوماً انجام می‌شود. اوضاع اقتصادی کشور خیلی خوب نیست و گروه‌های مخالف اصلاحات قانون اساسی نیز دلایل و استدلال‌های خود را دارند. علاوه بر اینکه هیچ‌کس نمی‌تواند حجم مواضع رأی دهندگان کرد نسبت به این اصلاحات را مشخص کند، به‌ویژه در شرایطی که تنش‌های روز افزونی میان دولت و ملی‌گرایان کرد به وجود آمده است.

علاوه بر اینها نباید حجم مخالفت داخلی در میان حرکت ملی با نظام ریاست جمهوری را نادیده گرفت. این موضوع هم در سطح فراکسیون پارلمانی حزب و هم در میان پایگاه مردمی آن قابل توجه است. در روز پنج فوریه ۲۰۱۷ تعدادی از سازمانهای جامعه مدنی مرتبط با حزب «حرکت ملی» از جمله سندیکای دانشجویان ملی‌گرا از رأی‌دهندگان خواستند تا اصلاحات قانون اساسی را تأیید نکنند.

همچنین از نظر مردم شناختی حزب «عدالت و توسعه»، حزب ترکها، کردها، اعراب، شرکسها و سایر ساختارهای مردمی این کشور به شمار می‌شود، این در حالی است که حزب «حرکت ملی» به صورت سنتی سخت‌ترین و شدیدترین مواضع را در تقابل با

جنبش ملی‌گرای کُرد در دو شاخه مسلح و غیر مسلح از خود نشان داده است. لذا به سختی می‌توان تصور کرد که حزب «عدالت و توسعه» بتواند بدون رأی کُردها اکثریت پارلمانی را برای خود حفظ کند. واقعیت این است که تعداد نمایندگان عدالت و توسعه که از طریق کُردها انتخاب شده اند، بیشتر از تعداد نمایندگان حزب دموکراتیک خلقها است که ارتباط گسترده‌ای با حزب کارگران کردستان دارد. طی ماه‌های گذشته به‌ویژه بعد از کودتای شکست خورده در ترکیه، رقابت بین حاکمیت «عدالت و توسعه» و حزب «دموکراتیک خلقها» افزایش پیدا کرده است. در نتیجه درگیری‌هایی که ایجاد شده، تعدادی از رهبران این حزب و نمایندگان پارلمانی آن بازداشت شده و اتهاماتی در زمینه حمایت از تروریسم بر ضد آنها مطرح شده است. بنابراین اگر توافق حزب «عدالت و توسعه» با «حرکت ملی» در مسیر ائتلاف قرار بگیرد و درگیری‌های خونین بین حاکمیت و ملی‌گراهای کرد ادامه پیدا کند،^۵

5. www.studies.aljazeera.net/ar/positionestimate/2017/02/17020913465545.html

■ پیامدهای داخلی اصلاح قانون اساسی ترکیه

حزب حاکم عدالت و توسعه پازل تحولات داخلی ترکیه را به گونه‌ای چینش کرده است که بیشترین شانس پیروزی در همه پرسی اصلاحات قانون اساسی را داشته باشد. اصلاحات قانون اساسی در صورتی که بتواند بیش از نیمی از آراء مردمی را به دست آورد، الزام‌آور شده و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.

یکی از دلایل اصلی تلاش حزب حاکم ترکیه برای تغییر ساختار سیاسی این کشور به شخصیت پراگماتیک سیاسی اردوغان بازمی‌گردد که روحیه‌ای هدفمند و پرتحرک دارد و محدودیتهای موجود در اجرای اهداف بلند پروازانه خود در عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی را بر نمی‌تابد. در همین راستاست که حتی در سالهای اخیر که در کسوت ریاست جمهوری انجام وظیفه کرده، نقش اجرایی خود را فراتر از نخست وزیر ترسیم کرده است. او چارچوبهایی که برای ریاست جمهوری تعیین شده را بر نمی‌تابد و نمی‌تواند مقام نخست‌وزیر را فراتر از خودش ببیند.

دوره پیشین ریاست جمهوری در ترکیه با رأی مستقیم مردم برگزار شد و برخلاف دوره‌های پیشین پارلمان، مسئولیت انتخاب ریاست جمهوری را نداشت. بنابراین خواست حزب «عدالت و توسعه» و شخص «اردوغان» برای تغییر نظام سیاسی بیشتر به نوع نگاه او و چشم‌اندازی که برای آینده سیاسی ترکیه در قالب استراتژی ۲۰۲۳^۶ در صدمین سال تأسیس جمهوری ترکیه ترسیم کرده بازمی‌گردد.

۶- ترکیه تحت رهبری اردوغان این پیام را به مردم ترکیه داده است که به هر طریقی که شده می‌کوشد تا سال ۲۰۲۳ میلادی که سالگرد استقلال این کشور است ترکیه را به سوی اهداف مورد نظر خود هدایت کند که مهم‌ترین آنها عبارتند از ۱- قدرت مطلق در داخل ترکیه ۲- انضمام بخشهایی از خاک سوریه، عراق و یا دستکم گسترش دامنه نفوذ ترکیه در این دو کشور به نحوی که حاکمان محلی بیشتر از آنچه به دولت مرکزی پایبند باشند باید به اردوغان پایبند باشند.

بسیاری از تحلیلگران این خواسته را در چارچوبهای اقتدارگرایی اردوغان ارزیابی می‌کنند. اگر به رفتارهای سیاسی او در دو سال گذشته نگاهی بیندازیم می‌بینیم که او از قامت و صلاحیت ریاست جمهوری بسیار فراتر رفته و در تمام نهادها دخالت کرده است. لیکن اردوغان با دارا بودن این شخصیت سیاسی در پی آن است که بتواند این اقتدار را نهادینه کند. در نهایت اگر این تغییرات ایجاد شود، فردگرایی در رفتارهای رئیس جمهوری ترکیه، اعمال نفوذ بیشتر او یا روشهای اقتدارگرایانه‌اش خیلی شدیدتر خواهد شد. در عین حال یکی از انتقاداتی که نسبت به این رویکرد وجود دارد این است که تغییر نظام سیاسی، شیوه دموکراسی در ترکیه را می‌تواند به چالش بکشد و نقش احزاب را در کارکردهای سیاسی تضعیف کند. مخالفان معتقدند که این رویکرد با نگاه کلی که ترکیه دنبال می‌کند، متفاوت است.

اگرچه اصلاح ساختار حاکمیت ترکیه می‌تواند در روند تصمیم‌سازی‌های حکومتی به سمت تحولات داخلی و بین‌المللی تسریع ایجاد کند و بروکراسی موجود در داخل ترکیه را تسهیل بخشد، اما اختیارات گسترده و بی‌قیدوشرط رئیس‌جمهور ترکیه احتمال بروز رفتارهای دیکتاتورمنشانه از شخص رئیس‌جمهور که با تغییرات جدید قدرت او بیشتر و عوامل محدودکننده قدرتش کمتر می‌شود، افزایش پیدا می‌کند.

از سوی دیگر در نظام سیاسی ریاستی مد نظر ترکیه همان گونه که از بندهای پیشنهادی اصلاحات قانون اساسی این کشور مشخص است، اختیارات مجلس در انتخاب رئیس‌جمهور و نظارت بر وی از بین می‌رود و به همین سبب قدرت مانور احزاب مخالف

۶۱ در برابر حزب حاکم بسیار کمتر می‌شود. در این نظام حزب پیروز انتخابات مجبور به جلب رضایت سایر احزاب این کشور نخواهد بود و همین موضوع ساختار احزاب در داخل ترکیه را با مشکل مواجه کرده و به تبع آن اعتبار مردمی دولت را کاهش خواهد داد.

از سوی دیگر تصویب اصلاحات قانون اساسی در همه پرسی مردمی که با رأی ۵۱/۲ درصد آرای مردم ترکیه امکان پذیر شد، باعث زیر سؤال رفتن استقلال دستگاه قضایی ترکیه خواهد شد، چرا که طبق قانون جدید رییس‌جمهوری می‌تواند رییس عالی‌ترین نهاد قضایی متشکل از قضات و دادستانها را شخصاً منصوب کند. همچنین رییس‌جمهوری قادر خواهد بود ۱۲ نفر از ۱۵ عضو دادگاه قانون اساسی بلندپایه‌ترین مرجع ارجاع قضایی کشور را تعیین کن. این در حالی است که این دادگاه مسئولیت نظارت بر عملکرد رئیس‌جمهور را بر عهده دارد.

همچنین ضعیف بودن نهادهای نظارتی و پارلمان ترکیه آنجا مشخص می‌شود که برای ارجاع پرونده تخلف احتمالی رئیس‌جمهوری و نقض قانون توسط او از سوی پارلمان به دادگاه قانون اساسی، امضای دست کم ۴۰۰ نماینده نیاز است، این در حالی است که رئیس‌جمهور در هر زمانی که بخواهد، می‌تواند پارلمان را منحل کند. تصویب نهایی همه پرسی قانون اساسی در ترکیه به روند دموکراتیک این کشور آسیب زده و ساختار سیاسی احزاب مختلف را با مشکل مواجه خواهد کرد، به این ترتیب اعتبار ترکیه به عنوان یک دولت دموکراتیک در عرصه بین‌الملل کاهش پیدا می‌کند.

تغییرات قانون اساسی در کوتاه مدت هیچ تأثیر عمده‌ای بر سیاستهای داخلی حزب حاکم نخواهد داشت، چرا که ترکیه در حال حاضر نیز با سیستم ریاستی مدیریت می‌شود. بعد از کودتا وضعیت فوق‌العاده اداری سیاسی در کشور به وجود آمد که در این وضعیت رئیس‌جمهور به عنوان فرمانده کل قوا و نفر اول کشور، قدرت تسلط بر تمامی ساختارهای دولتی را در دست دارد، به طوری که دولت و شورای امنیتی ملی که تحت ریاست رئیس‌جمهور است، هر حکمی که صادر کند، به منزله قانون لازم‌الاجرا شناخته می‌شود و مانند قانونهای مجلس با آن تعامل می‌شود. در حقیقت سیستم ریاستی الان در ترکیه حاکم است، اما اتفاقی که در جریان همه پرسی رخ داد، این بود که این فعالیت، حالت تئوریک به خود گرفت و قانونی شد. تأثیر بلند مدت این ساختار بر سیاست داخلی ترکیه، تأثیری شگرف است، به این ترتیب که به طور کلی رژیم سیاست حاکم بر کشور تغییر می‌کند و این تغییرات همه ساحت سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک ترکیه را در بر می‌گیرد که اصلی‌ترین وجهه این مسئله تحولات در سیستم تصمیم‌گیری‌های کلان کشور است، به طوری که توازن کانونهای قدرت داخلی در نتیجه این ساختار به هم می‌ریزد و شکاف در میان این کانونها افزایش پیدا می‌کند.

هدف «اردوغان» از انجام این اصلاحات، قدرت گرفتن بیشتر خود نیست، بلکه او می‌خواهد خود را مانند آتاتورک بنیان‌گذار یک دوره تاریخی و سیستم جدید در ترکیه قرار دهد. وی حتی ممکن است از عرصه سیاسی کشور خارج شود و به عنوان یک پدر معنوی دولت را بیرون از ساختار آن اداره کند و پستهای ریاست جمهوری و

نخست‌وزیری را به فرد دیگری بسپارد. لذا این اصلاحات را نباید بر اساس اهداف کوتاه مدت و استبدادی وی ارزیابی کرد.

■ تأثیر اصلاحات قانون اساسی بر مناسبات ترکیه با رژیم

صهیونیستی

«رجب طیب اردوغان» طی ۱۵ سال گذشته از مناسبات خود با طرفهای منطقه‌ای به ویژه رژیم صهیونیستی به عنوان ابزاری برای تحقق منافع مالی، سیاسی و اقتصادی استفاده کرده است. از دهه ۹۰ قرن گذشته میلادی تا دهه اول قرن ۲۱، ترکیه مناسبات نظامی و همکاری‌های گسترده‌ای در ابعاد مختلف با رژیم صهیونیستی ایجاد کرد. اما در اواخر دهه اول قرن جدید و به‌ویژه بعد از حمله نیروهای صهیونیستی به کشتی مَرمره که به دنبال ورود به نوار غزه و شکستن محاصره این منطقه بود، مناسبات دوجانبه در ابعاد سیاسی و دیپلماتیک به تیرگی گرایید، با این وجود مناسبات اقتصادی بین آنکارا و تل‌آویو همچنان به قوت خود باقی ماند. اردوغان گرچه به دنبال احیای خلافت اسلامی مدرن در منطقه است، اما همواره نشان داده پایبندی چندانی به رویکردهای ایدئولوژیک در مناسبات سیاسی نداشته است و هر موقع منافعش ایجاب کند، حاضر به کنار گذاشتن این رویکردها است.

بسیاری از تحلیلگران تغییر مناسبات ترکیه با رژیم اسرائیل طی دو دهه گذشته را نه بر اساس دیدگاه‌های ایدئولوژیک، بلکه بر اساس منافع راهبردی ترکیه ارزیابی می‌کنند. اردوغان بعد از مواضع سرسختانه‌ای که در قبال رژیم صهیونیستی در پیش گرفت،

اگرچه به مناسبات تجاری و اقتصادی خود با این رژیم ادامه داد، اما محبوبیت و اعتبار بیشتری در جامعه ترکیه و سایر جوامع مسلمان در کشورهای عربی به دست آورد تا جایی که برخی اقشار عمومی از وی به عنوان نمادی برای مبارزه با اشغالگری صهیونیستها نام می‌بردند. به این ترتیب می‌توان گفت این تغییر موضع یکی از ابزارهای حزب حاکم «اردوغان» برای تسلط بر افکار عمومی جامعه ترکیه و منطقه بود.

بر این اساس طبیعی بود که ترکیه بعد از استفاده از این ابزار بلافاصله بخواهد در سریع‌ترین زمان ممکن مناسبات خود با رژیم صهیونیستی را از سر بگیرد. در اواخر ژوئن ۲۰۱۶ در حالی که پیش شرط سه گانه^۷ «اردوغان» برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نیز به صورت کامل محقق نشده بود، روابط دو جانبه به سرعت احیا شد و مدت کوتاهی بعد سفرای دو طرف در کشورهای میزبان مشغول به کار شدند.


به نظر می‌رسد آزادی عمل بیشتر اردوغان با تصویب اصلاحات قانون اساسی در همه‌پرسی، روند مناسبات ترکیه با رژیم صهیونیستی را تا حد زیادی ارتقا بخشد. این موضوع را از هم‌اکنون می‌توان در مناسبات گسترده سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه و رژیم صهیونیستی در کنترل فعالیت‌های نیروهای مقاومت اسلامی فلسطین در ترکیه با جاسوسی بر ضد برخی طرف‌های منطقه‌ای از جمله ایران مشاهده کرد.

۷- پس از حمله نظامیان رژیم صهیونیستی به کشتی مَرمره در آب‌های بین‌المللی که حامل کمک‌های انسان دوستانه برای فلسطینیان ساکن غزه بود، آنکارا روابط خود با تل آویو را به پایین‌ترین سطح ممکن کاهش داد. مقامات ترکیه در آن هنگام ۳ شرط اساسی را برای ازسرگیری روابط با رژیم صهیونیستی عنوان کردند؛ ۱- عذرخواهی نتانیاهو. ۲- پرداخت غرامت به دلیل کشته شدن ۹ تبعهٔ تُرک در حمله به کشتی. ۳- رفع حصر غزه.

۶۵ طبیعی است که احیای مناسبات امنیتی و دیپلماتیک در سایه اصلاحات قانون اساسی در این کشور به افزایش مناسبات تجاری و اقتصادی میان دو طرف منجر خواهد شد. از جمله این موارد می‌توان به صدور گاز طبیعی رژیم صهیونیستی از سوی ترکیه در مدیترانه شرقی و خریداری گاز اسرائیل از سوی آنکارا اشاره کرد. گفتنی است چند ماه پیش حزب «جمهوری خواه خلق» با انتشار اسنادی مدعی شد که حزب حاکم (عدالت و توسعه) برای اثبات دوستی خود با اسرائیل ۶۵,۴ میلیون دلار را به یکی از شرکتهای متعلق به لابی اسرائیلی در آمریکا واریز کرده است. که اسناد آن به شرح ذیل است:

Janice O'Connell
February 1-July 31, 2013: Government of Turkey

Janice O'Connell	Date	Type of Contact	Contact Name	Contact Job	Office	Topic	Related Documents
Janice O'Connell	4/30/2013	meetings and travel	Rep Ed Whitfield	Member	Rep Whitfield	MECEA meetings on US Turkey relations	
	6/21/2013	email	Fred Turner	staff director	Helsinki commission	confirm amb meeting with Senator Wicker	
	6/24/2013	email	Aaron Allen	leg assistant	Rep Vargas	Gazi Park	
	6/24/2013	email	Cara Toman	leg director	Rep Schneider	Gazi Park	
	6/24/2013	email	lauren doney	leg assistant	Rep. Grayson	Gazi Park	
	6/24/2013	email	Miy Timmaraju	Chief of staff	Rep. Bera	Gazi Park	
	6/24/2013	email	Michael Fleishman	leg assistant	Rep. Meng	Gazi Park	
	6/24/2013	email	Anthony Cing	leg assistant	Rep. Gabbard	Gazi Park	
	6/24/2013	email	Tyler Stapleton	leg assistant	Rep. Schneider	Gazi Park	
	6/25/2013	call	Joe Lai	leg assistant	Sen Wicker	OSCE trip	
	6/25/2013	email	Joe Lai	leg assistant	Sen Wicker	follow up to call re OSCE trip	
	6/25/2013	meeting	Jason Steinbaum	staff director	house foreign affairs committee	US Turkey relations	
	6/25/2013	meeting	Michael Soanlon	state dept fellow	house foreign affairs committee	US Turkey relations	
	6/25/2013	meeting	Robert Marcus	professional staff	house foreign affairs committee	US Turkey relations	
	6/25/2013	meeting	Tyler Stapleton	leg assistant	Rep Schneider	Gazi Park	
	6/26/2013	email	hers Abbaal	leg assistant	Rep Connolly	HFAC hearing	
	6/27/2013	meeting	Jessica Ellidge	leg assistant	Sen Murphy	Gazi Park	
	6/27/2013	email	Joe Lai	leg assistant	Sen Wicker	OSCE trip	
	6/27/2013	email	Fred Turner	staff director	Helsinki commission	OSCE trip	
	6/28/2013	meeting	Jessica Ellidge	leg assistant	Sen Murphy	SFRC hearing	
	6/28/2013	meeting	Anthony Cing	leg assistant	Rep. Gabbard	Gazi Park	



U.S. Department of Justice
Washington, DC 20530

Exhibit B
To Registration Statement
Pursuant to the Foreign Agents Registration Act of 1938, as amended

FORM NO. 100-2004

INSTRUCTIONS: A registrant must furnish as an Exhibit B copies of each written agreement and the terms and conditions of each oral agreement with his foreign principal, including all modifications of such agreements, or, where no contract exists, a full statement of all the circumstances by reason of which the registrant is acting as an agent of a foreign principal. One original and two legible photocopies of this form shall be filed for each foreign principal named in the registration statement and must be signed by or on behalf of the registrant.

Privacy Act Statement. The filing of this document is required by the Foreign Agents Registration Act of 1938, as amended, 22 U.S.C. § 611 et seq., for the purposes of registration under the Act and public disclosure. Provision of the information requested is mandatory, and failure to provide this information is subject to the penalty and enforcement provisions established in Section 8 of the Act. Every registration statement, short form registration statement, supplemental statement, exhibit, amendment, copy of informational materials or other document or information filed with the Attorney General under this Act is a public record open to public examination, inspection and copying during the posted business hours of the Registration Unit in Washington, DC. Statements are also available online at the Registration Unit's webpage: <http://www.fara.gov/>. One copy of every such document, other than informational materials, is automatically provided to the Secretary of State pursuant to Section 6(b) of the Act, and copies of any and all documents are routinely made available to other agencies, departments and Congress pursuant to Section 6(c) of the Act. The Attorney General also transmits a semi-annual report to Congress on the Administration of the Act which lists the names of all agents registered under the Act and the foreign principals they represent. This report is available to the public in print and online at <http://www.fara.gov/>.

Public Reporting Burden. Public reporting burden for this collection of information is estimated to average .33 hours per response, including the time for reviewing instructions, searching existing data sources, gathering and maintaining the data needed, and completing and reviewing the collection of information. Send comments regarding this burden estimate or any other aspect of this collection of information, including suggestions for reducing this burden to Chief, Registration Unit, Counterintelligence Section, National Security Division, U.S. Department of Justice, Washington, DC 20530; and to the Office of Information and Regulatory Affairs, Office of Management and Budget, Washington, DC 20503.

1. Name of Registrant Neusner Communications, LLC	2. Registration No. <div style="text-align: center; font-size: 2em; font-weight: bold;">5883</div>
3. Name of Foreign Principal Embassy of the Republic of Turkey through Dilovo Strategies and Fleishman Hillard	

Check Appropriate Boxes:

4. The agreement between the registrant and the above-named foreign principal is a formal written contract. If this box is checked, attach a copy of the contract to this exhibit.

5. There is no formal written contract between the registrant and the foreign principal. The agreement with the above-named foreign principal has resulted from an exchange of correspondence. If this box is checked, attach a copy of all pertinent correspondence, including a copy of any initial proposal which has been adopted by reference in such correspondence.

6. The agreement or understanding between the registrant and the foreign principal is the result of neither a formal written contract nor an exchange of correspondence between the parties. If this box is checked, give a complete description below of the terms and conditions of the oral agreement or understanding, its duration, the fees and expenses, if any, to be received.

The initial agreement provided for a monthly retainer of \$4,000. In January 2008, the monthly retainer was raised to \$7,500 and was raised again in May 2008 to \$8,500. The agreement is at will.

7. Describe fully the nature and method of performance of the above indicated agreement or understanding. Perform outreach through communications to the US Jewish community, its leadership and organizations on behalf of the Embassy of Turkey. This includes emails, phonecalls, and planning of events.

Formerly CRM-155

FBI/DOJ
SERVICES/DOJ

برخی تحلیلگران مسائل سیاسی اعتقاد دارند که سیستم حاکمیت ریاست جمهوری از دورهٔ پس از کودتا در ترکیه آغاز شده است و در واقع کسی نمی‌تواند در برابر سیاستهای رئیس جمهور این کشور قد علم کند، در همین راستا است که می‌بینیم سیاستهای منطقه‌ای «اردوغان» در نتیجه تصویب‌نهایی اصلاحات قانون اساسی می‌تواند تأثیر عمده‌ای در همگرایی بین ترکیه و رژیم صهیونیستی ایفا کند.

■ تأثیر اصلاحات قانون اساسی بر مناسبات ترکیه و ایران

با وجود اینکه مناسبات ایران و ترکیه طی دو دهه گذشته در ابعاد سیاسی، دیپلماتیک و تجاری، این دو کشور را به عنوان مهم‌ترین شرکای منطقه‌ای تبدیل کرده است، اما طی این سالها هرگز رابطه‌ای راهبردی بین دو کشور مهم و تأثیرگذار در منطقه ایجاد نشد. یکی از مهم‌ترین عوامل این رویکرد را می‌توان در نوسان موجود در سیاستهای ترکیه و هم‌گرایی سنتی راهبردهای استراتژیک این کشور با آمریکا و رژیم صهیونیستی ارزیابی کرد. سیاست ترکیه در قبال کشورهای منطقه و جهان تابعی از وضعیت داخلی و خارجی ترکیه است، به این معنا که نحوه تعامل ترکیه با مؤلفه‌های تأثیرگذار سیاست خارجی نظیر لابی‌های آمریکایی و حامیان جریانهای عربی سعودی و وضعیت داخلی ترکیه، رویکرد ترکیه را در زمینه مسائل منطقه‌ای مشخص می‌کند. چیزی که به نظر می‌رسد، این است که تاخت‌وتاز «اردوغان» بر ضد ایران و محور مقاومت منطقه‌ای مصرف تبلیغاتی و انتخاباتی داشته است. بعد از فراندوم به نظرمی‌رسد این حملات تقلیل پیدا خواهد

۶۹ کرد و ترکیه رویکرد دوستی با ایران را دنبال خواهد کرد. البته به علت تضاد در سیاستهای منطقه‌ای ایران و ترکیه به نظر نمی‌رسد در کوتاه مدت و قبل از تجدید نظر حزب «عدالت و توسعه» در سیاستهای مداخله جویان منطقه‌ای، اتحادی راهبردی بین دو کشور به وجود آید.

منابع:

۱. تارنمای حزب «عدالت و توسعه» ترکیه؛ «AKPARTI»
۲. تارنمای حزب «جمهوری خواه خلق» ترکیه؛ «CHP»
۳. تارنمای حزب «حرکت ملی» ترکیه؛ «MHP»
۴. شبکه ترکی «TRT»
۵. پایگاه خبری «خبریت»
۶. پایگاه خبری «ترکیه پست»
۷. مرکز بین المللی مطالعات صلح «IPSC»
۸. پایگاه اینترنتی «مرکز مطالعات شبکه الجزیره»
۹. اندیشکده «مطالعات فلسطین و مطالعات استراتژیک» لبنان
۱۰. پژوهشکده «مطالعات راهبردی»
۱۱. مرکز «مطالعات و پژوهشهای جهان عرب» مصر
۱۲. پایگاه خبری تحلیلی الوقت